نسیم جنوب

سال بیست و چهارم – شماره ۹۸۳ چهار شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۰
۸ صفحه – ۱۰۰۰۰ تومان



ابوالفضل تشکری، فعال دانشجویی در بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

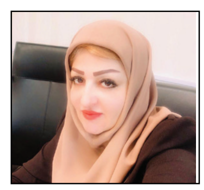
جنبش دانشجویی نتوانسته با مشکلات جامعه ارتباط برقرار کند

۱۶ آذر روز دانشجو و رسالت اجتماعی و سیاسی دانشجویی؟

به مناسبت نکوداشت روز پرستار

پرستاران؛ فرشتگانی از جنس تعهد و ایثار

ضرورت وجود ادبیات
دکتر زهره عالی نسب



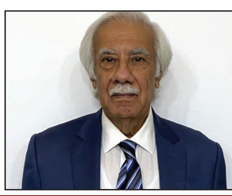
۷

دانشجویان رویکرد و تحرک سیاسی گذشته را ندارند
حسین صداقت



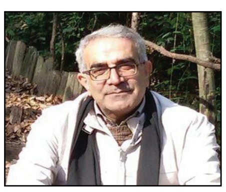
۳

نخل‌ها سرو جنوب‌اند
عبدالمجید زنگویی



۶

مهاجرت و مهاجرت نخبگان
دکتر سعید معدنی



۸

زندگی آگاهانه
حسین زیرراهی



۶

دادستان دشتستان:
مدیر سابق شرکت پخش فرآورده های نفتی دشتستان دستگیر شد

دادستان دشتستان از توابع استان بوشهرگفت: پاسداران گمنام امام زمان (عج) جواد الائمه (ع) مدیر سابق شرکت پخش فرآورده های نفتی این شهرستان را دستگیر کردند.

یاسرحیدری شامگاه دوشنبه در گفت وگو با ایرنا افزود: این فرد به اتهام مشارکت در قاچاق سازمان یافته سوخت و تخلفات مالی دستگیر شده است.

وی بیان کرد: متهم با صدور قرار تامین متناسب در بازداشت وتحقیقات تکمیلی قرار دارد.

هیچ‌گونه پروانه شکار برای قطری‌ها صادر نشده است

مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان بوشهر گفت: پس از اطلاع از ورود خودروها پیگیری لازم در این خصوص از طریق دستگاه‌های متولی انجام گرفته و فعلا ادوات شکار و صید نزد این افراد مشاهده نشده و با توجه به اینکه هیچ‌گونه پروانه شکار و صیدی برای اتباع خارجی در استان بوشهر صادر نگردیده است.

وی افزود: هرگونه شکار و صید گونه‌ها ممنوع و در صورت مشاهده هرگونه تخلف زیست محیطی ضمن جلوگیری از شکار و صید و ورود به زیستگاه‌ها و مناطق حفاظت شده استان، پیگیری قضایی به‌عمل خواهد آمد.

فراخوان افراد بالای ۴۰ سال برای دریافت دُوز سوم واکسن کرونا

مدیر مرکز بیماری‌های واگیر وزارتب هداشت گفت: افراد بالای ۴۰ سال که واکسن کرونای سینوفارم، بهارات و برکت تزریق کرده‌اند پس از گذشت سه ماه برای دریافت دُوز سوم مراجعه کنند. افراد بالای ۶۰ سال که واکسن‌های آسترازنکا و اسپوتنیک دریافت کرده‌اند، پس از ۶ ماه برای دریافت نوبت یادآوری مراجعه کنند.

طلبکاران، حساب‌های بانکی شهرداری عسلویه را مسدود کردند

به گزارش عسلویه نیوز،یکی از پیمانکاران طلبکار بابت ۲۰۰ میلیون طلب، همه حساب‌های بانکی این شهرداری را مسدود کرده است. شهرداری عسلویه بیش از ۳۵ میلیارد بدهی به چندین پیمانکار مختلف دارد.

بنگلادش در بوشهر پالایشگاه بسازد

استاندار بوشهر در دیدار با سفیر بنگلادش در ایران گفت: نیازهای روزانه کشور بنگلادش در بخش انرژی در حال افزایش است و با توجه به اینکه استان بوشهر محل عبور خطوط لوله، مخازن و صادرات نفت است پیشنهاد می‌شود با وزارت نفت ایران مشارکت کنید و یک پالایشگاه در این استان راه‌اندازی کنید و سوخت نفت خام و یا میعانات گازی تولید و فرآورده آن را به کشور خود ببرید.

امام جمعه بوشهر:
مردم آنچنان فقیرند که فقط می‌گویم به کمک بشتابید

صفایی بوشهری در خطبه‌های نمازجمعه بوشهر گفت: برخی روستاهای تنگستان در شبانه‌روز دو ساعت به آنان آبرسانی می‌شود.

امام جمعه بوشهر افزود: در برخی روستاها فقر آنچنان وجود دارد که به من این وظیفه را القا کرده که بگویم همه مسئولان به فریاد فقرا و نیازمندان بشتابند.

کاهش ۹۰ درصدی آبگیری سدهای بوشهر

معاون شرکت آب منطقه‌ای استان بوشهر گفت: در سال آبی جاری از اول مهر تا ۱۰ آذرماه در مجموع چهار میلیون مترمکعب آب در پشت سدهای استان بوشهر ذخیره شد، این در حالی است که در همین بازه زمانی در سال آبی گذشته ۵۷ میلیون مترمکعب آب ذخیره شده بود.

ظرفیت سد رئیسعلی دلواری استان بوشهر ۶۹۵ میلیون مترمکعب است که در زمان حاضر تنها ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب پشت سد آن ذخیره و حدود ۶۰ درصد از ظرفیت آن خالی است.

میانگین بارندگی استان بوشهر در سال آبی جاری حدود ۱۵ میلیمتر بوده که نسبت به میزان بارش متوسط دراز مدت به میزان ۵۳ درصد کاهش داشته است.

ماهانه یک میلیارد ریال برای جمع‌آوری سگ‌های سرگردان در بوشهر

رییس کمیسیون بهداشت شورای شهر بوشهر گفت: برای این طرح پس از برگزاری مناقصه، یک پیمانکار به مدت ۶ ماه و در قبال دریافت ماهانه یک میلیارد ریال نسبت به زنده‌گیری و جمع‌آوری سگ‌های سرگردان در بوشهر اقدام کند.

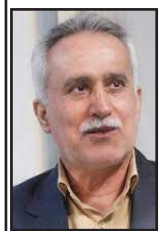
حق مسئولیت اجتماعی را باید با التماس از صنایع بگیریم

استاندار بوشهر در نشست نمایندگان عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفت:در تمام دنیا صنایع در هر جا هستند ۳ تا ۵ درصد از سود خالص خود را برای تحقق مسئولیت اجتماعی آن منطقه باید اختصاص دهند که این اصل در کشور رخ نمی‌دهد و اقدامی را که صنایع براساس قانون ملزم به اجرای آن هستند را باید با التماس از آنان بگیریم. هدیه سفر نمایندگان عضو کمیسیون کشاورزی مجلس به بوشهر، نه تنها برای بوشهری‌ها بلکه برای همه ملت ایران الزام صنایع به اجرای مسئولیت‌های اجتماعی آن‌ها باشد.

این صنایع بخشی از سرمایه‌گذاری خود را که دوست دارند در بانک‌های استان سرمایه‌گذاری می‌کنند و بخشی را که تمایل ندارند به بانک‌های دیگر انتقال می‌دهند و در ساختمان‌های آنچنانی سرمایه‌گذاری می‌کنند. نمایندگان باید صنایع را ملزم کنند در هر منطقه‌ای هستند منابع مالی خود را در همان منطقه سپرده‌گذاری کنند.

در نقاط مرزی مشکل آفرینی نکنید

امان اله شجاعی



در خبرها آمده است که استاندار جدید حضور یافته در استان فارس، در پی ماهی‌گیری از خلیج فارس افتاده و ظاهرا از فرط بیکاری، در این وانفسای مشکلات داخلی و بین‌المللی کشور، در پی گرفتن ماهی‌های زمردین از خلیج فارس است.

به عنوان یک شهروند جمهوری اسلامی ایران به ایشان به جد هشدار می‌دهم که بداند نمایندگی عالی دولت نیازمند شم و مشی سیاسی است و کار هر ناپخته و تازه به میدان (دوران) رسیده‌ای نیست.

ایشان باید بدانند که ورود به این مسایل با معرکه گیری‌های سیاسی معمول، تفاوت فاحش دارد و در این اوضاع حساس، نباید در نقاط مرزی مشکل آفرینی کرد.

لذا چنان چه این ادعا از جانب ایشان صحت دارد، بهتر است که ایشان، در جای دیگری به فکر عرض اندام باشد و هر مشکلی که در اینٍ رابطه و یا مسایل جانبی آن رخ دهد، وی شخصاً جوابگوی مردم ایران و نیز مسئولین امنیتی کشور خواهد بود.

استعفای دکتر کشمیری رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر؛ اعتراض به دخالت‌های غیرکارشناسی در امور تخصصی بهداشت و درمان



بدین وسیله استعفاء و کناره‌گیری خود را از ریاست دانشگاه علوم‌پزشکی اعلام می کنم.

این تصمیم به علت اهانت های اخیر و دخالت‌های متعدد و مکرر افراد غیرکارشناس در امور تخصصی بهداشت و درمان می‌باشد.

مردم از این حاشیه سازی‌ها آسیب می‌بینند و من صلاح دیدم به جای صرف انرژی برای جوسازی‌های کاذب کناره گیری کنم.

امیدوارم وزارت بهداشت در اولین فرصت جایگزین جالب را به معرفی کنید.

باند جعل اسکناس در جم بوشهر متلاشی شد

فرمانده انتظامی شهرستان جم از توابع استان بوشهر گفت: ۲ نفر از اعضای باند جاعلان اسکناس‌های تقلبی در این شهرستان دستگیر شدند.

به گزارش ایرنا، سرهنگ "سید علی مهدیان" به رسانه‌ها اعلام کرد: در پی گزارش‌هایی در خصوص جعل اسکناس در شهرستان جم، موضوع بصورت ویژه در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت. با رصد و اقدامات اطلاعاتی مامورین کلانتری ۱۱ ولایت با همکاری ماموران پلیس آگاهی شهرستان ۲ نفر از اعضای باند جاعلین فعال در جعل اسکناس، شناسایی و پس از کسب دستور قضایی در بازرسی از منزل آنها، ۱۶۸ میلیون تومان اسکناس جعلی کشف و متهمان دستگیر شدند.

مهدیان ادامه داد: متهمن در تحقیقات صورت گرفته بیان داشتند از طریق فضای مجازی طعمه های خود را شناسایی و معاملات خود را از این طریق انجام می‌دادند. متهمان برای خرید اجناس خود پس از مراجعه و مشغول کردن ذهن فروشنده به بهانه پرداخت نقدی، وجوه را پرداخت و به سرعت محل را ترک می کردند. متهمان جهت عدم شناسایی، خرید و معاملات خود را در نقاط مختلف کشور انجام می دادند.

وی تصریح کرد: در نهایت متهمان به همراه پرونده تشکیل شده برای انجام مراحل قانونی تحویل مرجع قضائی شدند.

طرح راه‌آهن بوشهر - شیراز همچنان خاک می‌خورد

طرح راه‌آهن بوشهر –شیراز به سان کتابی می‌ماند که هر از چندگاهی از طاقچه برداشته، گردوخاک‌هایش پاک می‌شود و دوباره سر جایش می گذارند تا بار دیگر خاک بگیرد.

طرح راه آهن بوشهر – شیراز از مصوبات سفر اول دولت محمود احمدی‌نژاد در دولت نهم بود که عملیات اجرایی آن از سال ۸۶ شروع شد، اما به دلیل تامین نشدن اعتبارات مورد نیاز روند اجرای پروژه کند و در بیشتر ایام سال‌های گذشته نیز متوقف شده بود. با روی کار آمدن هر دولت وعده به سرانجام رسیدن طرح راه‌آهن بوشهر– شیراز داده می‌شود. طرحی که همچنان لاک پشتی پیش می‌رود و تاکنون به گفته معاون مهندسی ساخت اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر تنها حدود ۸ درصد آن هم در حوزه زیرساختی پیشرفت فیزیکی داشته است، در طول همه این سال‌ها دولت‌ها و مسئولان مختلف دولتی وعده‌های متعددی را به مردم استان بوشهر دادند اما این خواسته و آرزوی دیرینه رنگ واقعیت به خود نگرفت. در واقع طرح راه‌آهن بوشهر به سان کتابی می‌ماند که هر از چندگاهی از طاقچه برداشته، گردوخاک‌هایش پاک می‌شود و دوباره سر جایش می گذارند تا بار دیگر خاک بگیرد. به گزارش ایسنا، پروژه راه‌آهن بوشهر به ۱۱ قطعه اجرایی تبدیل شده است و از شهرهای اهرم، کلمه، بوشکان، فراشبند، فیروزآباد، بایگان، کوار، شیراز، زرقان و مرودشت می‌گذرد اما در طول چند سال‌گذشته با تزریق اعتبارات قطره چکانی باعث شده پیشرفتی صورت نگیرد.

امید بوشهری‌ها به تکمیل طرح راه‌آهن بوشهر – شیراز

۱۵ مهر امسال با سفر هیات دولت سیزدهم به استان بوشهر و همچنین سخنان وزیر راه و شهرسازی در خصوص پیشبرد راه‌آهن از بوشهر– شیراز داشت باردیگر بوشهری‌ها صدای سوت قطار را نزدیک به خود احساس کردند، چرا که رستم قاسمی در بندر دیر گفته بود که تلاش می‌شود این پروژه اساسی با تامین اعتبار لازم فعال شود.

۱۶ مهر نیز ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور به تنگستان رفت و از قطعه ۱۰ این پروژه بازدید کرد و گفت: باید اعتبارات این پروژه در بودجه سال آینده گنجانده شود.

باید منتظر وزارتخانه راه و شهرسازی و هیات دولت ماند

معاون مهندسی ساخت اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: پس از ششمین سفر استانی رئیس جمهوری و هیات دولت سیزدهم به استان بوشهر که ۱۶ مهرماه جاری انجام شد، جلساتی در سطح وزارت خانه تشکیل شد تا تامین منابع مالی مورد نیاز قطعه‌های پروژه خط ریلی بوشهر – شیراز از منابع مختلف بررسی شود.

عبدالحسن مشایخی اضافه کرد: در آخر مقرر شد ۲۰۰ میلیون یورو از محل تهاتر نفت برای سال‌ها ۱۴۰۰–۱۴۰۱ به پروژه تزریق شود.

وی تصریح کرد: کل اعتبار مورد نیاز برای طرح راه‌آهن بوشهر – شیراز ۴/۱ میلیارد دلار است اکنون منتظر تعیین تکلیف ۲۰۰ میلیون یورو هستیم تا وارد مناقصات جدید انجام و قطعات جدید راه‌اندازی شود.

معاون مهندسی ساخت اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر در خصوص وضعیت فعلی تامین ۲۰۰ میلیون یورو از طریق تهاتر نفت برای پروژه راه‌آهن بوشهر–شیراز بیان کرد: اکنون باید منتظر وزارتخانه راه و شهرسازی و هیات دولت ماند چرا که این تصمیمات و اقدامات در حوزه اختیارات استان بوشهر نیست و ما نمی دانیم کی و چگونه منابع تامین خواهد شد.

تهاتر نفت تنها راه باقی مانده

مشایخی خاطر نشان کرد: تهاتر نفت اکنون تنها روش قابل اجرا برای طرح راه‌آهن بوشهر– شیراز است. پیش از این فاینانس، سرمایه‌گذاری داخلی و اعتبارات معمول راه به جایی نبرد.

معاون مهندسی ساخت اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر یادآور شد: شروع طرح راه آهن بوشهر – شیراز قرار بود با مشارکت وزارت نفت باشد اما با بروز اختلافاتی این وزارتخانه کناره‌گیری می کند، پیشنهادی به وزارت نفت داده شده تا به جای این که لوله پروپیلن به سمت مرودشت در استان فارس احداث شود اعتبارات آن به طرح راه آهن بوشهر – شیراز اختصاص یابد اما هنوز نفتی‌ها موافقتی نداشته‌اند و معاون اول رئیس جمهور دستور داده است که آن طرح نیز راکد بماند تا تصمیمات جدید گرفته شود.

مشایخی برآورد کنونی با بیان این که برای طرح راه‌آهن بوشهر – شیراز ۴۴ هزار میلیارد تومان است، عنوان کرد: انتظار می‌رود در صورت تامین اعتبار مورد نیاز این پروژه در مدت چهار سال مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

وی بیان کرد: اکنون تنها قطعه ۱۰ پروژه راه آهن در حد فاصل شهر اهرم به کلمه به طول ۲۵ کیلومتر با ۲۷ درصد پیشرفت فیزیکی فعال است و برای این قطعه ۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است که تاکنون ۲۲۰ میلیارد تومان هزینه شده است.

راه‌آهن احداث نشود بنادر بوشهر زیان ده می‌شوند

یک کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: استان بوشهر یکی از مهم ترین بنادر استراتژیک اقتصادی کشور تاکنون از داشتن خط ریلی محروم بوده که با تکمیل این پروژه گام بزرگی در جهت توسعه حمل و نقل و صادرات در سراسر کشور برداشته خواهد شد.

عاطفه باژدان اضافه کرد: پیش‌تر گفته شده بود که طرح طرح راه آهن شیراز–بوشهر قابلیت جابه جایی سه میلیون تن بار در سال اول بهره برداری و افزایش تا ۶ میلیون تن در ۱۰ سال، جابه جایی یک میلیون مسافر در سال اول بهره برداری و افزایش تا ۲ میلیون نفر در ۱۰ سال پیش‌بینی می‌شود همین موضوع به یقین می‌تواند موجب رونق اقتصادی با گشترش حمل و نقل و ترانزیت برای استان بوشهر شود.

وی بیان کرد: تاخیر تکمیل طرح راه‌آهن بوشهر – شیراز بیشترین آسیب را به اقتصاد بنادر و تولید استان بوشهر وارد می‌کند تاجایی که در چند سال آینده بنادر استان زیان‌ده شوند و رغبت به سرمایه‌گذاری در این استان کمتر خواهد شد.

این کارشناس اقتصاد عنوان کرد: خط ریلی در استان بوشهر هزینه تمام شده صادرات و واردات را کاهش می‌دهد، قدرت رقابت‌پذیری برای استان ایجاد می کند و در پی آن صادرات، سرمایه‌گذاری و رونق کسب و کار و اشتغال‌زایی به همراه دارد.

باژدان تصریح کرد: بی‌شک با اتصال بوشهر به شبکه ریلی کشور علاوه بر اتصال این استان به کریدور شمال و جنوب و راه جدید ابریشم، سرمایه گذاری در حوزه‌های پایانه کانتینری، صادرات و ترانزیت اقتصادین نیز رشد خواهد داشت و امکان جذب سرمایه گذار برای دیگر پایانه‌ها نیز سرعت می‌گیرد. با توجه به اجرای منطقه آزاد تولیدی صنعتی بوشهر، زیرساختی مثل راه آهن می‌تواند انگیزه بسیار خوبی برای سرمایه گذاری در این منطقه و به دنبال آن تولید و اشتغال در استان ایجاد کند.

استاد دانشگاه خلیج فارس در میان دانشمندان برتر جهان قرار گرفت



بر اساس گزارش پایگاه استنادی جهان اسلام، پروفسور پرویز ملک زاده عضو هیات علمی مهندسی مکانیک دانشگاه خلیج فارس، برای هفتمین سال متوالی در جمع دانشمندان یک درصد برتر جهان قرار گرفت.

روابط عمومی دانشگاه خلیج فارس روز دوشنبه اعلام کرد، بر پایه داده‌های پایگاه ای اس سی، شاخص‌های اساسی علم (ESI) و WOS دکتر ملک زاده با دارا بودن تعداد ۱۱۱ مقاله در حوزه موضوعی و سه هزارو ۱۲۸ استناد در حوزه موضوعی در سال ۲۰۲۱ به عنوان دانشمند برتر یک درصد جهان معرفی شدند. برای قرار گرفتن در فهرست پژوهشگران برتر، کلیه فعالیت های علمی ۱۰ ساله اخیر در سطح بین المللی از جمله تعداد مقالات، تعداد استنادها، تعداد مقالات پراستناد، تعداد استناد به مقالات پراستناد مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین مسائلی نظیر، رعایت اصول اخلاقی در پژوهش، رعایت میزان خود استنادی در حد قابل قبول و نیز مقالات باز پس‌گیری شده در انتخاب یک پژوهشگر برای این فهرست هستند.

آغاز طرح تحول دهکده گردشگری بوشهر



شهردار بندر بوشهر گفت: طرح تحول دهکده گردشگری این شهر با هدف ارتقا سطح کمی و کیفی خدمات این مجموعه آغاز شد.

به گزارش ایرنا، حسین حیدری در بازدید از دهکده گردشگری بوشهر اظهارکرد: راه اندازی غرفه‌ها، نصب صندلی، بهبود وضعیت منظر و روشنایی، توسعه فضای سبز، هرس درختان، اجرای طرح‌های اشتغالزایی و بوم‌گردی از جمله برنامه های تدارک دیده شده در طرح تحول دهکده گردشگری بوشهر است.

حیدری ادامه داد: برای بازگشایی بخش دوم دهکده گردشگری بوشهر نیز برنامه ریزی لازم انجام شده است.

شهردار بندر بوشهر افزود: بوشهر ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به قطب گردشگری در جنوب کشور را دارد که باید از این ظرفیت به خوبی برای رونق اقتصادی استفاده کرد. با بهبود شرایط کرونایی، بوشهر پایان هر هفته میزبان شمار قابل توجهی از گردشگران است.

وی با قدردانی از تلاش‌های اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر اظهارداشت: انتظار است با هدف توسعه فعالیت ها در دهکده گردشگری بوشهر مدت زمان تحویل این طرح به شهرداری را افزایش دهد.

بخش نخست دهکده گردشگری بوشهر اسفند سال ۱۳۹۴ با نام «امید» به وسعت ۱۴.۵ هکتار و با ۱۵۰ میلیارد ریال اعتبار در بزرگراه امام علی این شهر افتتاح شد. دهکده گردشگری امید بوشهر در سطح ۸۵ هکتار و در چهار فاز با رویکرد توسعه ورزش‌های آبی و ساحلی تدارک دیده شده است.

ابوالفضل تشکری، فعال دانشجویی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

جنبش دانشجویی نتوانسته با مشکلات جامعه ارتباط برقرار کند



– به عنوان یک فعال دانشجویی، رسالت اجتماعی و سیاسی دانشجویان در ایران را چه می‌دانید؟

– ابتدا بر خود لازم می‌دانم سالروز به خون غلتیدن ۳ دانشجوی آزاد مرد دانشگاه تهران؛ شهدا مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت رضوی را گرامی بدارم.

از نظر بنده مهم ترین رسالت دانشجویان در ایران پیدا کردن راه حل‌های اخلاقی برای معضلات پیرامونی و جامعه ایران است.

و البته از نظر من این مسئله خود نیاز به الزاماتی از جمله تلاش برای تشکل‌یابی، توجه به جامعه و تلاش در اخلاقی کردن خود دانشگاه در مرحله اول دارد.

به واقع من این طور فکر می کنم که رسالت دانشگاه کمک به تعالی جامعه است و دانشجو به عنوان بخشی از این مجموعه باید پرچم‌دار تحول اخلاقی در جامعه باشد.

– توجه دانشجویان به مسائل سیاسی و اجتماعی کشور چگونه است؟

– به واقع فعالین دانشجوی در کشور ما یکی از دغدغه‌مندترین بخش‌های جامعه بوده است دلیل آن هم این است که غالبا داشجویان کمتر دغدغه تامین مخارج را دارند و از لحاظ تاریخی هم کلا قشر دانشجو درکشور ما همیشه نسبت به آینده کشور حساس بوده است.

البته بنده معتقدم که این شیوه کنونی فعالیت دانشجویی اثر بخش نیست و باید در نحوه فعالیت سیاسی و اجتماعی این مجموعه‌ها تجدید نظر شود.

اساسا این شیوه خود مورد نقد بسیاری از فعالین سابق دانشجویی نیز قرار دارد.

حقیقتاً یکی از حسرت‌های دوران فعالیت خود من این است که چرا من و دیگر دوستان فعال دانشجویی، حداقل از نظر من آن طور که باید نتوانستیم با مشکلات اجتماع و خود جامعه ارتباط برقرار کنیم، به نوعی امروز جامعه در بسیاری از موارد از بدنه دانشگاهی موضع مترقی‌تری دارد و خود این مبین این موضوع است که دانشگاه توان کمک برای حل معضلات اجتماع را ندارد.

– دلیل این مسئله چیست که اکثر فعالان دانشجویی بعد از اتمام تحصیل از کنش و فعالیت در فضای سیاسی و اجتماعی جدا می شوند؟

– یک نکته که در این باره وجود دارد این است که خود این پدیده مختص به حال و یا صرفا ایران نیست و اگر تاریخ جنبش‌های دانشجویی را مطالعه کنید شاهد هستید که دانشجویان بعد از فارغ التحصیلی از فضای کنش‌گری فاصله می‌گیرند و پدیده نادری نیست. اما سال‌های اخیر این طور احساس می‌شود که این قضیه شدت بیشتری دارد و خود من به شخصه معتقدم که علت این اتفاق احساس به بن بست رسیدگی و عدم موفقیت و سرخوردگی بدنه دانشجویی از فعالیت‌های سال‌های اخیر است.

البته شاید با حضوری شدن دانشگاه‌ها شاهد تغیر در این رویه باشیم اما رویه کنونی برای دانشگاه و جامعه مطلوب نیست و باعث می‌شود اجتماع از موهبت یک نیروی جوان و با دغدغه که مخصوصاً درگذشته در عرصه‌های مبارزه با آسیب‌های اجتماعی بسیار فعال بوده محروم شود.

– چه توصیه‌ای به فعالان دانشجویی دارید؟

–بهترین توصیه که من می‌توانم به فعالین دانشجویی مخصوصاً آنها که تازه وارد این عرصه شده‌اند کنم این است که دائماً تغیرات و واقعیت‌های عرصه‌های فعالیتشان از جمله دانشگاه و یا عرصه اجتماعی و سیاسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

این امر باعث می‌شود که ایده‌آل گرایی که یکی از ویژگی‌های فعالیت دانشجویی است با یک درک از واقعیت و داشتن دیدی واقعی همراه شود.

علاوه بر این داشتن تحلیل درست از جامعه باعث می‌شود که مواضع و کنش‌گری افراد به موقع و موثرتر باشد و از هدر رفت انرژی و وقت پیرامون مسائل کمتر اهمیت‌دار و یا غیر راهگشا برای وضعیت کنونی اجتناب نمایند.

حسین صداقت فعال پیشین دانشجویی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

دانشجویان رویکرد و تحرک سیاسی گذشته را ندارند



– به عنوان کسی که سالهایی از عمر خود را به عنوان فعال دانشجویی گذرانده اید، رسالت اجتماعی و سیاسی دانشجویان در ایران را چه می‌دانید؟

– دانشجویان در طول تاریخ معاصر کشورمان همواره نقش موتور محرکه تحولات اجتماعی و خط‌شکن اصلاحات سیاسی و اجتماعی بوده‌اند. دانشجویان از طرفی نقش علمی و نخبگانی دارند و باید به مشکلات و مسائل و بحران‌های جامعه فکر کنند و برای آنها راه‌حل بیابند که این موضوع هم رسالت علمی و هم رسالت اجتماعی دانشجویان و دانشگاهیان است. از طرف دیگر دانشجویان همواره نقش منتقد قدرت سیاسی را داشته‌اند، یعنی یک نوع چراغ هشدار در مقابل حکومت‌ها بوده‌اند در مقابل حقوق ملت که این مهم‌ترین رسالت سیاسی دانشجویان است. دانشجویان باید ضمن این که بینش و دانش سیاسی خود را تقویت و تعمیق می‌کنند، همواره نظاره‌گر فعال جامعه و حکومت باشند و در مواقع لازم بتوانند هم جامعه و هم حاکمیت را نقد کنند. البته این نقد به منزله مخالف‌خوانی که خود به نوعی سنت در جنبش دانشجویی بدل شده است نیست بلکه به این معنی است که اگر دولت یا حاکمیت جایی اشتباه می‌کند دانشجو منتقد صادق و مشفق آنها باشد و اگر کار درستی انجام می‌شود نیز تصدیق کند و کمک کند.

– به نظر شما توجه دانشجویان به مسائل سیاسی و اجتماعی کشور چگونه است؟

– در حال حاضر متأسفانه فضای دانشگاه به آن شکلی که ما از گذشته به یاد می‌آوریم نیست. هم به دلیل تغییرات اجتماعی و هم شیوع پندمی کرونا و تعطیلی دانشگاه‌ها که به اندازه تغییر یک نسل دانشجویان طول کشیده است امروزه شاهد دانشجو و دانشگاهی هستیم که آن رویکرد و تحرک سیاسی گذشته را ندارد و منحصر به فعالیت علمی و آموزشی شده است که آن هم با توجه به آموزش مجازی کم‌رمق و کم‌بنیه‌تر از همیشه است. به طور کلی امروز دانشگاه در بحران است، هم موجودیت و هویت علمی دانشگاه و هم حیات اجتماعی و سیاسی دانشگاه در بحران قرار دارد و اگر به زودی شرایط به حالت عادی برنگردد شاهد نسلی از دانشجویان خواهیم بود که به تعبیری دانش‌آموز هستند نه دانشجو.

– دلیل این مسئله چیست که اکثر فعالان دانشجویی بعد از اتمام تحصیل از کنش و فعالیت در فضای سیاسی و اجتماعی جدا میشوند؟

– این مسئله به طور طبیعی در طول نسل‌ها وجود داشته و همواره شاهد بوده‌ایم عده‌ی بسیار کمی از فعالین دانشجویی پس از دوران دانشجویی به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود ادامه می‌دهند. دلایل زیادی برای این موضوع می‌توان برشمرد از جمله ضعف شدید تشکل‌های اجتماعی و احزاب سیاسی ایران، دانشجویی که از دانشگاه و فضای تشکیلاتی دا++ خارج می‌شود نیاز به یک زیرساخت تشکیلاتی برای فعالیت دارد که متأسفانه وجود ندارد و روز به روز هم شاهد بدتر شدن وضعیت تشکل‌ها و احزاب هستیم.

از دیگر شرایط می‌توان به وضع بد اقتصادی اشاره کرد بطوری که فرد بعد از دوران دانشجویی خود با فشار سنگین مالی مواجه می‌شود و ناگزیر است توجه و تفکر خود را کاملاً به امرار معاش و تشکیل زندگی معطوف کند که امروزه بسیار دشوار شده و حتی با تمرکز صد در صدی زمان و توان هم تشکیل یک زندگی ساده و آبرومندانه تقریبا غیرممکن شده است. در چنین شرایطی طبیعتاً جوان تازه فارغ‌التحصیل شده فرصت و مجالی برای فعالیت اجتماعی و سیاسی نخواهد داشت.

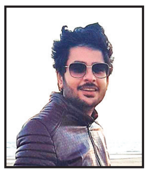
اساساً در مقیاس جهانی نیز به همین شکل است و در کشورهای توسعه یافته که رفاه اجتماعی نسبی برقرار است شاهد وفور تشکل‌های اجتماعی و افرادی هستیم که برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی عام المنفعه وقت می‌گذارند و در مقابل در تمامی کشورهای با وضع رفاه اجتماعی ضعیف با خلا تشکل‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته مواجهیم.

– چه توصیه‌ای به فعالان دانشجویی کنونی دارید؟

– توصیه می‌کنم از دوران دانشجویی فکری برای امرار معاش و شغل آینده‌شان بکنند که این موضوع مهم‌ترین عامل در ادامه فعالیت‌ها و حیات سیاسی و اجتماعی فعالین است و در صورتی که نسبت به آن غفلت شود همه‌ی دستاوردها و ظرفیت‌سازی های تشکل‌ها محدود به همان دوران کوتاه دانشجویی می‌شود. همچنین توصیه می‌کنم نسبت به تقویت بنیه علمی و نظری خود و دیگر دانشجویان تلاش کنند و ضعف تئوریک شدیدی که امروزه بر تشکل‌های دانشجویی حاکم است را رفع کنند.

رسالت اجتماعی و سیاسی دانشجویی؟

دکتر سعید ربیعی:



دانشجو می تواند در قامت یک شخصیت ساپژکتیو، با توجه به شرایط جامعه، آغازگر تحولات باشد و یا حتی ایجادگر ظرفیت‌های تحول‌پذیری جامعه شود. متاسفانه در شرایط فعلی کشور، دانشجویان پتانسیل ایجاد چنین ظرفیتی در جامعه را ندارند و صرفا می‌توانند بصورت آبژکتیو، گروه‌های دیگر را همراهی کنند؛ زیرا پتانسیل‌های مذکور در حال حاضر در جامعه دانشجویی وجود ندارد.

بهاران عمرانی:



رسالت دانشجو پرورش تفکر انتقادی و کنجکاوی درون خود است تا به واسطه این ابزار به شناختی از خویش برسد که بتواند جایگاه خود را در مسائل و اتفاقات جمعی تشخیص دهد و به چالش بکشد.

امیر ارسلان ادیب:



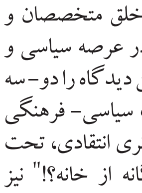
به نظر من رسالت دانشجویان در دوران حاضر حراست از شعله‌ی رو به خاموشی آگاهی و آگاهی بخشی و تعهد به آرمان‌های اصیل جنبش دانشجویی یعنی آزادی و عدالت است.

وحید موحد:



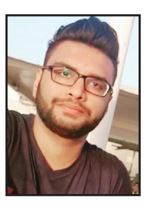
از نظر من، رسالت دانشجو، جوییدن دانش است و تمرین گفتگو و تردید و تفکر، و کاویدن سلایق و پرورش علایق؛ و برخلاف آن انتظاری که چه بسا در دل این پرسش در سالروز واقعه سیاسی ۱۶ آذر و با به کار بردن تعبیر "رسالت"وجود دارد، من مخالف بار کردن رسالت ویژه و پیامبرانه‌ی سیاسی و اجتماعی برای این قشر از جامعه هستم هرچند پرواضح است که این قشر اجتماعی، پتانسیل بالایی برای خلق متخصصان و کنشگران حرفه‌ای آینده خود در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه دارد؛ مشروح این دیدگاه را دو-سه سالی بعد از پایان دوران فعالیت سیاسی- فرهنگی دانشجویی خودم، در یک بازنگری انتقادی، تحت عنوان "جنبش دانشجویی؛ بیگانه از خانه؟!" نیز نگاشته‌ام.

علی شیخ‌زاده:



از نظر من مهم‌ترین رسالت یک دانشجو در حال حاضر در ایران، آگاهی و آگاه‌سازی و استفاده عملیاتی از این آگاهی در فضای دانشگاهی و مهم‌تر از آن در خارج از دانشگاه است.

مسلم روئین:



چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، بعلت فقدان احزاب مستقل بار انتقادات عریان از حکومت‌ها بر دوش جنبش دانشجویان بوده و دانشجویان هم به خوبی به این خواسته توجه نموده و اقدام کرده اند. هرچند فعالیت انتقادی فراز و فرودهایی داشته اما بیشتر اوقات با مشت آهنین اعوان و انصار دولت‌های مختلف مواجه شده است و این نبرد و مبارزه جنبش دانشجویی تا نهادینه شدن احزاب و رسانه های غیر وابسته به حکومت ادامه خواهد داشت.

به شغل پرستاری افتخار می کنم

علیرضا بهنام پور



واقعیت امر در آن زمان انتخاب شغل پرستاری با توجه به شرایط سنی و عدم شناخت و مطالعه کافی، یک انتخاب کاملاً آگاهانه نبود ولی به مرور زمان و با درک صحیح و بیشتر و شناخت کامل به این رشته به اهمیت آن در روند رسیدگی به وضعیت بیماران و گستردگی دامنه و اطلاعات مورد نیاز جهت ارائه بهتر و بیشتر خدمات آن پی بردم. اکنون با سابقه ۳۰ سال کار در این رشته با تمام مسائل و مشکلات طی شده و موجود بر سر راه این رشته و با توجه به جایگاه اساسی و حیاتی آن در پروسه درمان بیماران، حس تعلق و دلبستگی خاصی به آن داشته و به راهی که طی این ۳۰سال رفتم افتخار می کنم.

در این شغل با مشکلات زیادی روبه رو هستیم از جمله کمبود شدید تخت به پرستار نسبت به استانداردهای جهانی، عدم جذب و به کارگیری نیروهای پرستاری لازم همزمان و متناسب با گسترش و افزایش مراکز درمانی، حقوق و مزایا و مطالبات بر زمین مانده این قشر، عدم اعمال قانون مشاغل سخت و زیان آور به طور دقیق، فرسایش جسم و جان پرسنل پرستاری طی ۳۰سال هم دردی و بیمارداری و شب زنده داری در این کار پر زحمت و پرتنش از اهم مشکلات و معضلات موجود این رشته می باشد.

زیباترین و بهترین خاطرات در شغل پرستاری آن جایی شکل می گرفت که دست بیمار دردمندی برای طلب آمرزش و عاقبت بخیری و سلامتی به سوی آسمان بلند می شد و با تمام وجود دعایت می کردند و اثرات مثبت این دعاها در زندگی روزمره شاهد هستیم.

پزشک و بیمارسالاری است

الهام توسلی



شغل پرستاری را از این جهت که واقعا می توانی به دیگری کمک کنی تا به زندگی برگردد و دردش را کاهش می دهی و می توانی با رفتار و صحبت بیمار را از نظر روحی و حتی جسمی آرام کنی، انتخاب کردم چون واقعا پرستاری را دوست دارم و احساس آرامش می کنم.

زمانی که پرستار اورژانس بودم بیماری با درد قفسه سینه مراجعه کرد که از بیمار نوارقلب گرفته شد و مانیتور شد که سکته قلبی نشان داده شد، پزشک آمد و همین طور که بیمار مانیتور می شد ناگهان ریتم بیمار فیبریلاسیون بطنی را نشان داد که پزشک دستور دی سی شوک داد البته من داد زدم و ریتم را گفتم که دستور دی سی شوک را داد و من از روی میز استیشن پریدم و به بیمار طبق دستور پزشک شوک دادم و بیمار برگشت و به کت لب رفت و انژیو پلاستی شد و زمانی که بیمار مرخص شد همراه بیمار به اورژانس آمد و با چشمانی که در حال گریه کردن بود از ما تشکر کرد.

مشکلات پرستاری کار بیشتر از توان و پزشک و بیمارسالاری می باشد هر اتفاقی می افتد مقصر پرستار می شود، حقوق نسبت به کار خیلی کم می باشد و ثبت مستندات خیلی زیاد شده است.

الان هم پشیمان نیستم و اگر بازهم قرار باشد انتخاب رشته کنم باز پرستاری را انتخاب می کنم، من از کار کردن با بیمار لذت می برم ولی منتها الان نوشتاری در پرستاری جای خودش را به ارتباط و کار بالینی گرفته است.

شاهد کم انگیز شدن پرستاران هستم

نرگس ذاکری‌فرد



من عاشقانه رشته پرستاری را انتخاب کردم ولی متاسفانه درحال حاضر به خاطر سختی‌های پیش رو و کم لطفی‌ها، شاهد کم انگیز شدن پرستاران هستم. از مهمترین مشکلات پرستاران در حال حاضر کمبود نیرو و مطالبات به حق پرستاران است که ماه‌ها معوقه شده است. از خاطراتم این که یکی از همکاران شیفتم به دلیل نبود وسیله برای تکه کردن قرص و کم طاقتی بیمار، مجبور شد قرص را با دندان دو نیم کند.

پرستار هم احساس دارد

ناصر محمدی



برخورد با بیماران و خانواده آنها و کمک به آنها از طریق آن که اغلب زمان دشواری برای آنهاست برای من بسیار رضایت بخش است و برای همین شغل پرستاری را انتخاب کردم.

به عنوان یک شغل به جرات می‌توان گفت پرستاری یکی از شغل‌های با سختی کار بسیار بالاست، ولی از بعد انسانی، خدمت و تجربه حال خوب بعد از هر شیفت کاری با وجود تمام سختی‌هاست. چون ذات پرستار این است.

کمبود شدید نیروی پرستار، فرسودگی شدید کادر درمان خصوصا در دوران کرونا از مشکلات مهم شغل پرستاری است.

در طول ۲۵ سال خدمت پرستاری خاطرات تلخ و شیرین زیادی دارم، بارها با نجات جانی تا عمق وجودم خوشحالی کرده و با مرگ عزیزی گریسته‌ام. آخر بر خلاف نظر خیلی‌ها پرستار هم احساس دارد، با شادی دیگران شاد و با غمشان غمگین می‌شود.

تسکین درد بیماران و دردمندان

آمنه اسپرغم



سرپرستار بخش کودکان بیمارستان خلیج فارس بوشهر هستم و بیش از دوازده سال سابقه کار دارم. دلیل انتخاب شغل پرستاری توسط من این بود تا بتوانم تسکین درد بیماران و دردمندان باشم. اکنون نگاهی عاشقانه به این شغل دارم و به خود می بالم که خداوند من را لایق خدمت به مخلوقش دانسته است.

شاید بزرگترین مشکل پرستاری دیدن درد و دلهره های بیماران باشد.

یک خاطره از شغل پرستاری که دارم این که یک بیمار به نام زینب داشتم که چشمانش نابینا بود. هر بار که به بخش می آمدم و صدای مرا می شنید به مادرش می گفت این صدای خاله آمنه است. تا این که یک شب که در منزل بودم با من تماس گرفته شد که زینب بدحال است و دارد ارست می دهد. با سرعت خودم را به بیمارستان رساندم، به محض این که به بیمارستان رسیدم و بر بالین زینب حاضر شدم صدایش کردم زینب؟

آرام گفت خاله آمنه و بیست دقیقه بعد زینب عزیزم فوت شد.

به مناسبت نکوداشت روز پرستار

پرستاران؛ فرشتگانی از جنس تعهد و ایثار

به مناسبت روز پرستار و در نکوداشت پرستاران استان بوشهر، با چند نفر از آنان مصاحبه کردیم و از دلیل انتخاب شغل پرستاری و مشکلات این شغل پرسیدیم و خواستیم که خاطره ای از این شغل را برای خوانندگان نسیم جنوب، تعریف کنند، شما را به خواندن این نظرات و خاطرات دعوت می کنیم.



با تمام سختی‌ها دوستش دارم

حمیده بحرینی



۱۲سال سابقه کار پرستاری دارم، در واقع من به خاطر علاقه زیادی که خواهرم به پرستاری داشت و شدت علاقه بین من و خواهرم، دوتایی پرستاری خواندیم الان با تمام سختی‌هایش دوستش دارم و از این که شاید بتونم التیام بخش دردمندی باشم احساس رضایت می کنم.

مشکلات کار پرستاری نسبت به سایر شغل‌ها بیشتر است و از طرفی احساس مسئولیت و حساسیت بیشتری نسبت به سایر شغل‌ها دارد. بیماری که به ما مراجعه می کند هر چند در ظاهر ممکن است برخورد حتی خیلی نامناسبی هم داشته باشد، ولی واقعیت این است که جان خودش یا عزیزش را می‌سپارد به کادر درمان و این خودش از هر چیزی بالاتر است و گویای جایگاه ویژه کادر درمان و بخصوص پرستاری هست.

شغل نیست بلکه عشق است

زهرا شعرا



باسابقه کار ۲۰ سال به نظرم پرستاری شغل نیست بلکه عشق است عشق به بیمار یا مددجو.

اما متاسفانه جایگاه اجتماعی شغل پرستاری باوجود زحمات زیادی که این قشر در تیم پزشکی متحمل می شوند و چه بسا در شیفت‌های سنگین ذره ذره به پای بیماران خود غصه می خورند، مشخص نیست.

خاطره ای که ۱۸ سال از آن می گذرد این که در یک شیفت خیلی پرکار قرار بود یک بیمار سزارین اورژانسی دراتاق عمل از بخش تحویل بگیرم. بیمار خانم جوانی که بهمراه همسرش مراجعه کرده بود. طبق روتین ازشون سابقه بیماری پرسیدم ودرنهایت گفتم قند داری؟

با استرس گفت ۲ کله قند شوهرم گرفته چون قندشکن نداشتم دادم مادرهمسرم که برام بشکنه.

بزرگترین عیدی

حیدر کشاورز



۲۷ سال سابقه کار پرستاری دارم و خیلی خیلی آن را دوست دارم، اکنون با این شغل عشق می‌کنم. البته هر شغلی مشکلات و سختی‌های خاص خودش را دارد.

یکی از خاطراتی که دارم این که یک پیر مردی را که ۷۴ ساله بود، زخم بستر گرفته بود بعد از حدود ۴۰ روز با سرم و دارو درمانی وشستشو، زخم بستر وی به طور مکرر ومرتب روزانه خوب شد و آن روز که مصادف شد با تحویل سال نو، من کنار خانواده‌ام نبودم ولی بر بالین این بیمار بودم که زخم‌هایش کاملاً خوب شده بود و آن روز بهترین و بزرگترین عیدی من از جانب خداوند متعال بود.

عاشق لباس سفید پرستاری شدم

شهلا جهانگیرفر



بیش از ۱۹ سابقه پرستاری دارم و از کودکی عاشق لباس سفید پرستاری شدم، فکر می کردم هر کس این لباس را بپوشد فرشته می‌شود و خدا خیلی دوستش دارد. همه پرستارا را زیبا می‌دیدم و فکر می کردم من هم فرم پرستاری را بپوشم مثل پرستارها زیبا می‌شوم. همیشه در وجودم حس کمک به دیگران بود و همیشه کمک کردن باعث حس عجیبی در من می‌شد. لذت خوب شدن بیماران و مرخص شدن آن ها، شوق قشنگی در چشمان پرستار می‌درخشد و احساس غرور به پرستار دست می دهد. البته که پرستاری شغل سختی هست ولی بعد از ۱۹ سال و اندی هرگز از شغلم خسته نشدم.

یکی از خاطراتم این که شیفت عصر بود در بخش اطفال و بیمارم بد حال شد، بلافاصله اقدامات اولیه شروع شد. به همکارم گفتم بیمار تشنج کرده، سریع دیازپام بیار، داشت راه هوای بیمار بسته می‌شد. به همکار دومی گفتم به پزشک لطفا اطلاع بده، توی اوج کار همکار اولی به جای دیازپام توی دستش میکروست بود. گفتم من گفتم دیازپام گفت تاریخ میکروست گذشته باید امروز عوض بشه. این خاطره ثابت می کنه تجربه چه قدر مهم است.

صبر و مهربانی دو ویژگی مهم پرستاری

معصومه امیری



حدود ۹ سال سابقه پرستاری دارم و دلیلم برای انتخاب رشته پرستاری ابتدا بخاطر علاقه شخصی بود که به رشته پزشکی و پیراپزشکی داشتم و شخصیت کنجکاوی دارم و علاقه داشتم به اینکه از آناتومی و فیزیولوژی انسان و موجودات آگاه شوم، ولی از وقتی که شروع به کار کردم بیشتر خودم را شناختم و متوجه شدم که با بیمار کار کردن، انرژی خاصی بهم میده و مشتاقتر به شغلم و رشته‌ام میشوم و از اینکه در درمان بیمار نقشی داشته باشم و به عنوان یه واسطه باشم حس خیلی خوبی دارم.

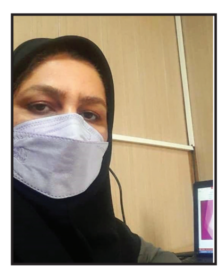
چیز مهمی که در پرستاری خیلی مهم است صبر و مهربانی است که این یکی از خصوصیات مهم شخصیت من هست.

خاطره خوبی که از این دوران دارم اینکه من سالهای زیادی با اطفال کار کردم و واقعاً با اطفال کار کردن خیلی سخت و صبر و حوصله زیادی میخواهد. یک روز یه پسر بچه‌ای آوردند و باید رگ گیری میشد. این هم در اطفال سخت و مهمه است. من شروع کردم به رگ گیری و بچه هم شروع به بیقراری و گریه کردن، والدین هم طبق معمول شروع به دادوبیداد کردند، ولی من با حوصله و مهربونی باهاشون حرف زدم، اولش که آرام نمیشدن ولی من همچنان با صبر و مهربونی ادامه میدادم. بعد که رگ گیری بچه تموم شد پدر بیمار آمد و عذرخواهی کرد و تشکر کرد بابت صبر و حوصله‌ای که بخرج داده بودم.

در این سالها چیزی را که فهمیدم اینه که خیلی وقتها با آموزش صحیح درمورد سیر بیماری و با ارتباط برقرار کردن با بیمار خیلی بهتر میشود بیمار را درمان کرد و به او اعتماد و آرامش داد.

شاید با فرسودگی و افسردگی همراه باشد

کبری حیاتی



۱۷ سال سابقه پرستاری دارم و علاقه دارم به کارهای درمانی و کمک به کسی که درد دارد. اما حقیقت اینکه چون از شغل پرستاری حمایت نمی‌شود، نگاه خوبی به آن ندارم. این شغل ممکن است با فرسودگی و افسردگی همراه باشد. یک خاطره از پرستاری اینکه یک بار در دورانی که پرستار «ای سی یو» بودم یک بیمار داشتیم که تومور مغزی داشت وعمل شده و دچار کاهش سطح هوشیاری شده بود. وقتی داشتیم راند می کردیم، مانیتور از بالا افتاد رو سر بیمار وبلافاصله مریض شروع کرد به حرف زدن، من از ترس فرار کردم و جرات نکردم به هیچ کس بگویم.



آمنه خدادادی سوپروایزر بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر:

پرستاری، شغلی سخت وطاقت فرسا



سوپروایزر آموزش سلامت مرکز آموزشی درمانی شهدای خلیج فارس، کارشناس پرستاری از دانشگاه تهران با ۲۷ سال سابقه خدمت در بخش های مختلف کودکان –داخلی جراحی– اورژانس – CCU– دفتر پرستاری هستم.

چرا پرستار شدم

در انتخاب شغل عوامل فردی و حرفه ای دو عامل اصلی در انتخاب رشته و گرایش افراد هستند که منجر به انتخاب آزادانه حرفه و گرایش آنان میشوند. از میان عوامل فردی، علاقه به محتوای علمی رشته پرستاری، تمایل به کمک به بیماران، تمایل به اشتغال در زمینه تخصصی خاص، و همچنین از عوامل فرهنگی؛ احساس ارزشمندی در بین خانواده و جامعه و احساس رضایتمندی درونی، توانایی قبول مسئولیت شغلی و اعتقادات مذهبی مهمترین عوامل در انتخاب رشته پرستاری برای من بودند.

نگاه کنونی به پرستاری

درباره نگاه کنونی به پرستاری باید گفت که هر احساسی که فرد از حرفه خود دارد روش تفکر و عملکرد را در ارتباط با حرفه اش تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین پرستارانی که تصویر مثبتی نسبت به حرفه خود دارند، روابط درمانی بیشتر و قویتری با بیماران خواهند داشت. در خصوص اهمیت رشته پرستاری هم می توان گفت که به نظر من پرستاری حرفه‌ای است که در سیر درمان یک بیماری نقش مهمی می‌تواند داشته باشد. اگر سیر درمان موفقیت آمیز باشد، خوب به تبع نقش مهمی در شادمانی یک خانواده دارد و اگر سیر درمان یک بیمار موفقیت آمیز نباشد، نیز نقش معکوسی در روحیه اعضای خانواده یک فرد بیمار دارد . شغل پرستاری یک شغل سخت وطاقت فرساست.

توصیه به پرستاران

توصیه من به جامعه پرستاری این است که به بیمار به چشم افراد خانواده خود نگاه کنند و وقتی بیمار یا خانواده بیمار به دلیل بدحالی، تندخو می شوند سعی کنند صبور باشند و زمانی که بیمار بهبودی پیدا کرد مطمئنا در حق شما و خانواده هایتان دعا می کند و یقین داشته باشید که این دعاها روزی در حق شما اجابت می شود.

مشکلات پرستاری

در اشاره به مشکلات شغل پرستاری؛ مهمترین و اصلی‌ترین مشکل کاری پرستاران را فضای کار پر از استرس و بی‌خوابی ناشی از شبکاری می توان برشمرد. این عوامل سبب بر هم ریختن سیستم بیولوژیکی و خستگی مفرط در پرستاران می‌شود. این عوامل سبب شده که پرستاران در آغاز سن جوانی به علت نوع کار دچار مشکلات استخوانی همچون آرتروز، دیسک یا واریس شوند. همچنین تماس با عوامل بیماریزا را از دیگر مشکلات سختی کار پرستاران می باشد و پرستاران معمولا با بیماری هایی همچون ایدز، هپاتیت، سل، سارس و کرونا و.... و اشعه های خطرناک مواجه هستند که سلامتی آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد.

خاطر شیرین و تلخ

پرستاران خاطرات زیادی در نگهداری از بیماران دارند. اما به نظرم آغاز زندگی و تپیدن قلب یک انسان بهترین و لذت بخش ترین خاطره می تواند باشد. اما خاطره های بد که دوست ندارم یادآور خاطره های تلخ باشم اما بدترین و تلخ ترین خاطره از بین رفتن یک انسان است.

خوش رویی و اخلاق خوب، برخورد مناسب با ادب و احترام به ارباب رجوع و اهمیت به بیمار همراه با احساس مسئولیت در برابر وظایف کاری می تواند در نگرش بیمار و همراهان تاثیر بسزایی داشته باشد.

از همکارانم می خواهم در محیط کار صبور ، مهربان ، دلسوز و دارای وجدان کاری باشند و با اطلاعات کافی بر بالین بیمار حضور پیدا کنند.

سیده فهیمه گلزادگان پرستار اتاق عمل:

درک درستی از مشکلات پرستاری وجود ندارد



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– سیده فهیمه گلزادگان هستم متولد سال ۱۳۶۶ شهر برازجان، پس از اخذ دیپلم تجربی و با شرکت در کنکور سراسری سال ۱۳۸۵ وارد دانشگاه علوم پزشکی بوشهر شدم و رشته هوشبری را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و بعد از گذراندان دوره طرح از سال ۱۳۸۹ تا کنون به عنوان کارشناس هوشبری در اتاق عمل بیمارستان شهید گنجی برازجان مشغول به فعالیت هستم.

– چه شد که شغل پرستاری را انتخاب کردید؟

– از دوره دبیرستان کمک به دیگران را دوست داشتم و از اینکه فرصتی برایم فراهم شد تا خدمت به هم نوعان خود بپردازم بسیار خوشحالم.

– نظرتان درباره پرستاری چیست؟

– معتقدم پرستاری شغل نیست بلکه یک عشق است. عشقی که در کمک به دیگران و بیماران تجلی پیدا می کند. این علاقه در کار باعث پیشرفت بنده شد و در سال ۱۳۹۸ به عنوان پرستار نمونه شهرستان و استان معرفی گردیدم. در این دنیا هرچقدر بتوانیم به افراد کمک کنیم در آن سو نیز دستمان را خواهند گرفت.

– وضعیت کار و امنیت این شغل چطور است؟

– رشته‌های تحصیلی پیراپزشکی مانند پرستاری، هوشبری و اتاق عمل بازار کار نسبتا خوبی دارد و از امنیت شغلی مناسبی نیز برخوردار است چون رشته‌ای خدمت محور است. اگر رشته‌ها خدمت محور نباشند ممکن است بازار کار خوبی نیز نداشته باشند.

– جایگاه کنونی پرستاری را چگونه می‌بینید؟

– جایگاه اجتماعی پرستاران با وجود تمام تلاش‌هایی که انجام می‌دهند در جامعه ما مطلوب نیست. معتقدم به جامعه پرستاری اجحاف می‌شود چون مردم و به ویژه بیماران بیشترین مراقبت ورسیدگی رااز پرستاران مطالبه می‌کنند اما بیشترین احترام را برای قشر دیگری می گذارند.

– پرستاری چقدر با استرس همراه است؟

– استرس موجود در این شغل بسیار زیاد است خصوصا در اتاق عمل چرا که لحظه‌ای غفلت می‌تواند باعث مرگ بیمار شود.

– الان چه نگاهی به آن دارید؟

– نگاه من به پرستاری این است که حرفه پرستاری فراتر از یک شغل است، پرستاری شغلی است آمیخته از علم و هنر که یک پرستار باید واجد علم و دانشی باشد که متناسب با سرعت رشد علم، همپای سایر رشته‌ها باشد و همچنین واجد هنری باشد که آن مطالب علمی را بتواند در محیط پر از تنش و هیجان بالینی و در خیلی اوقات در عین کمبود انواع امکانات عملی سازد تا به امید خدا موجب رضایت خاطر بیمار و خانواده‌اش و خداوند منان باشد.

– الویت‌های پرستاری چه چیزهایی باید باشند؟

– فکر میکنم وجدان کاری ، صداقت، مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی و انجام مراقبت‌های پرستاری براساس استاندارد، الویت هر پرستاری باید باشد و این موضوع را در تمام حیطه‌های کار، از نوع رفتار با بیمار تا نگهداشت دارو و تجهیزات باید مد نظر باشد.

– در این شغل با چه مشکلاتی روبرو هستید؟

– در توضیح برای مشکلات پرستاری به چند موضوع می‌توان اشاره کرد؛ شاید مهمترین آنها کمبودهای پرسنلی است که در حیطه‌های مختلف پرستاری نمایان است و بار کمبود پرسنل بر دوش کادر درمان فعلی است که خصوصا در ایام کرونا باعث به وجود آمدن شیفت‌های سنگین کاری برای پرسنل شده است. یکی دیگر از مشکلات این شغل فرسودگی شغل است که خیلی زودتر از مشاغل دیگر در این شغل به سراغ پرسنل می‌آید و به همین خاطر پرسنل پرستاری به خصوص خانم‌ها سال‌های آخر خدمت‌شان را بی‌صبرانه در انتظار بازنشستگی و دوران استراحت هستند و این موضوع مستلزم اصلاح در قوانین بازنشستگی پرسنل پرستاری می‌باشد.

از دیگر مشکلات این حرفه عدم تناسب قوانین حرفه‌ای با مسائل واقعی در این حرفه می‌باشد که البته در سالیان اخیر بعضی از قوانین حمایتی این حرفه شکل گرفته است ولی بعضی از آنها مانند طرح تعرفه‌های خدمات‌پرستاری مسکوت‌مانده‌اند که باید اجرایی شوند و باز هم در توصیف مشکلات این شغل، عدم درک درست بعضی از مسئولین نسبت به این شغل و مشکلات و چالش‌های آن است. پرسنل پرستاری بایستی مشکلات دیگران و اقدام برای رفع مشکل دیگران را به مسائل شخصی و مشکلات خود ترجیح بدهند. اجازه بدهید با یک مثال توضیح دهم اگر در شهر بحرانی یا کشور روی دهد، پرسنل پرستاری باید بدون توجه به خانواده و مشکلات شخصی خود، برای گره گشایی مشکلات دیگران بر سر کار حاضر شوند که مثال ساده آن حضور پرسنل پرستاری در ایام تعطیل عید و مناسبت‌های مذهبی بر سر کار و بیمارستان است. کار در شیفت‌های صبح و عصر و شب با جمعیتی که بیمار هستند و حال خوشی ندارند و خانواده بیمارانی که اضطراب و نگرانی و هیجان دارند و متاسفانه خیلی وقت‌ها مدیران و مسئولانی که نه تنها مرهم درد و آرامبخش نیستند، موجب درد و رنجش بیشتر هم می‌شوند!

– یک خاطره از پرستاری خود بگویید.

– شاید یکی از سخترین خاطرات من روزی بود که عمل اهدا عضو در بیمارستان شهید گنجی انجام شد. در تاریخ ۲ شهریور ۱۴۰۰ پنج عضو یک جوان برازجانی که به دلیل تصادف با موتورسیکلت دچار مرگ مغزی شده بود اهدا شد که بنده به عنوان یکی از اعضای تیم بیهوشی در این عمل جراحی شرکت داشتم. لحظات بسیار سختی سپری شد که اوج ایثار و فداکاری یک خانواده را برای جان بخشیدن به دیگری از نزدیک شاهد بودم. لحظه‌ای که علائم حیاتی بیمار در مانیتورینگ محو شد یکی از بدترین لحظات کاری بنده بود.

زندگی آگاهانه

حسین زیرراهی –مدرس مهارتهای توسعه فردی



سقراط می گوید زندگی نیازموده ارزش زیستن ندارد. اما زندگی نیازموده چیست؟ ما چه کاری باید انجام دهیم که زندگی را زندگی کرده باشیم؟ شاید فرمول و نسخه واحدی وجود نداشته باشد. ولی قطعا یک وجه اشتراک وجود دارد. اگر آمدن و رفتن ما چیزی بر این دنیا نیافزاید ما زندگی را نیازموده ترک گفته‌ایم.

هر انسانی که به دنیا می‌آید دو راه دارد: یکی این که همان مسیری را طی کند که در سر راهش قرار می گیرد. یا خود مسیری را ایجاد نماید. دنیا را همان گونه که تحویل گرفته تحویل دهد، یا چیزی بر آن بیافزاید. به دنبال رسالت خود در این دنیا بگردد و آن را پیدا کند، رسالتی که از آن خود اوست، یا همان کاری را بکند که دیگران انجام می دهند.

ما می‌توانیم زندگی را با تمام وجود زندگی کنیم یا فقط زنده باشیم. وقتی می گوییم زندگی را باید آزمود و بدون آزمودن ارزش زیستن ندارد یعنی از منطقه امن خود بیرون رویم و در حیطه‌های ناشناخته قدم بگذاریم، تجربه‌های جدید داشته باشیم، بیاموزیم و بیاموزانیم، رشد کنیم و قد بکشیم. حتما در این مسیر سختی می کشیم، با چالش روبرو می‌شویم، درد می کشیم، و گاهی مستاصل می‌شویم. ولی یک چیز قطعی است. این که به انسان بزرگتری تبدیل می‌شویم.

از دهه‌های آخر قرن بیستم از دل آموزه‌های روانشناسی کاربردی، علوم مغز و اعصاب و علوم کسب و کار شاخه جدیدی سر برآورد به نام رشد و توسعه فردی. مربیان و مدرسان موفقیت و پیشرفت فردی از پژوهش های روانشناسی استفاده کردند و روشهایی برای موفقیت در زندگی، کار و روابط توسعه دادند. این شاخه کم کم گسترش پیدا کرد و در دو دهه اول قرن بیست و یک به زیر شاخه‌های گوناگونی گسترش پیدا کرد و همچنین به علوم دیگری پیوند خورد. امروزه رشته‌هایی مانند رشد فردی، توسعه فردی، بهبود فردی، موفقیت، بهبود روابط، موفقیت شغلی، رشد کسب و کار، ذهن آگاهی، مهارتهای زندگی، کوچینگ و ... همه بر یک موضوع مشترک تاکید دارند: «برای بهتر کردن دنیای بیرون باید دنیای درون را بسازی».

برای شناخت دنیای درون ما به علومی مانند روانشناسی، فلسفه، زندگی انسان در ماقبل تاریخ، علوم مغز و اعصاب (نوروساینس) و غیره ... نیاز داریم. نیاز داریم بدانیم مغز چه طور کار می کند، انسان چه طور دنیای بیرون را می شناسد، و سیر تاریخی زندگی انسان بر روی کره زمین چگونه بوده است.

این شناخت به ما کمک می کند زندگی آگاهانه تری داشته باشیم. زندگی آگاهانه یعنی بدانیم در زندگی چه چیزهایی در اولویت هستند، چه طور دست به انتخاب بزنیم، چه طور توانمندی‌های خود را توسعه دهیم و به انسان والاتری تبدیل شویم. همان طور که از اسم اغلب این شاخه‌ها می‌توان فهمید همه این ها فردی است. یعنی ما تنها بر روی خودمان کار می کنیم نه دنیا و دیگران. ولی نتیجه آن علاوه بر خود بر دنیا هم تاثیر می گذارد. اگر دوست داریم بر دیگران، جامعه و دنیا اثر بگذاریم تنها راهش این است که خود را بسازیم. بزرگان تاریخ بشر از پیامبران، رهبران، دانشمندان، نوابغ، هنرمندان و همه کسانی که جامعه بشری را به سمت جلو حرکت داده‌اند هم صرفا همین کار را کرده‌اند. من قرار است از فرصت ارزشمندی که خانواده بزرگ فرهنگی نسیم جنوب در اختیارم قرار داده‌اند به قدر وسع آن چه در زمینه مهارتهای توسعه فردی و زندگی می‌دانم را با شما خوانندگان دوست داشتنی نسیم جنوب در میان بگذارم.

امیدوارم مورد قبول و عنایت شما سروران قرار گیرد.

نخل‌ها سرو جنوب‌اند

نگاهی به مجموعه شعر علی عشایری، انتشارات لیان، چاپ اول ۱۳۹۹

عبدالمجید زنگویی



در تابستان سال ۱۳۹۵ روزی که با معرفی ایرج زبردست، شاعر شیرازی با علی عشایری دیگر شاعر این شهر آشنا شدم، گمان نمی کردم که جوانی بیست ساله یا کمتر اشعاری چنین زیبا، پخته و بی عیب و نقص بسراید یا سروده باشد، اشعاری به صنایع بدیعی و ادبی آراسته. همان روز چند رباعی از او برای چاپ در دفتر دوم کتاب «نگاهی تازه به دریا» گرفتم.

از آن زمان باب آشنایی با علی عشایری گشوده شد تا در دیماه ۱۳۹۹ یک مجموعه رباعی برای چاپ به اینجانب سپرد. دفتری با نام «نخل‌ها سرو جنوب‌اند». عنوانی که از یک قطعه شعر نیمایی برای این دفتر برگزیده است.



عشایری زاده‌ی بندر گناوه در استان بوشهر است و اگرچه از کودکی (از سال ۱۳۸۱) به همراه خانواده در شیراز اقامت گزیده، ولی هرگز فرهنگ و آداب و هوای جنوب را از یاد نبرده و نمی‌برد. اگر چه در طبیعت جنوب درخت سرو وجود ندارد ولی به جای آن تا چشم کار می کند نخل‌های برافراشته به قول خود عشایری در انتظار آفتاب ایستاده اند. و چنین است که شاعر نام این دفتر شعر را «نخل‌ها سرو جنوب‌اند» می گذارد که برگرفته از یکی از اشعار نیمایی اوست.

و این نشان می‌دهد که علی عشایری غیر از رباعی در دیگر فرمها و گونه‌های شعری هم تجربه‌های خوبی دارد. شاعر در این رباعی‌ها به خوبی احساس و اندیشه های خود را بیان می کند. در این دفتر کم حجم (حاوی ۶۹ رباعی) با اجتماعیات، عاشقانه‌ها و عارفانه‌هایی رو به رو هستیم که با به کارگیری عناصر و تخیل سروده شده‌اند. با واژه‌ی سرو «بیش» از دیگر واژه‌ها رو به رو هستیم:

تو قبله‌ی عشق و من غزل آیینم
گلخنده‌ی مهر از لبت می چینم
وقتی که نگاه می کنم در چشمت
شیرازِ هزارسرو را می‌بینم

و در جَای دیگر می خوانیم:

یک روز همه به عشق می آمیزند
می آیی و دردهای من می‌ریزند
از بسته ترین دریچه‌ی رو به دلم
می آیی و سروها به پا می خیزند

همان طور که گفتم گاهی هم با رگه‌های عرفانی رو به رو می‌شویم. آن جا که به نقل از بایزید بسطامی که گفته است: «لیس فی جبتی الا الله» یعنی در جامه‌ی من جز خدا هیچ نیست می سراید:

جز خالق عشق نیست در پیرهنم
اندیشه‌ی آبی جنون در سخنم
چیدند دو بال شوق پرواز مرا
با این همه آن مرغ سبکسیر منم

گاهی این موضوع را در اسطوره می‌آمیزد و انسان‌های اسطوره‌ای را فراموش نمی کند:

گرم است هنوز و غم به جانش نزده است
جز درد، کسی زخم زبانش نزده است
آهی که نشسته در گلویم آرام
تیری است که رستم از کمانش نزده است

و در جای دیگر که پیوند عرفان و اسطوره و تاریخ در یک رباعی نمایان می‌شود:

یک کاوه‌ی بیقرار می‌خواهد شهر
منصورِ به رویِ دار می‌خواهد شهر
شبدیزَ و کهرَ، رخش زیاد است اینجا
شمشیرزنی سوار می‌خواهد شهر

اشاره کردم که عشایری در تصویرسازی و تخیل هم مهارت دارد که نمونه‌ای می خوانیم:

از ماه سوال کردم آن شب که چرا
در شور جوانی کمرت گشته دو تا؟
با درد به من گفت که تو می‌شکنی
در غربت شب اگر کِشی بارِ مرا

و یا: از قله‌ی کوه دردها می‌خیزم
با صخره‌ی سخت ظلم می آویزم
چون باد که بید را نمی‌لرزانم
رودم که به پای سروها می‌ریزم

و اما اغراق نیست اگر بگوییم ریشه و بن مایه‌ی همه‌ی رباعی‌هایش بر عنصر عشق استوار است. عشقی عمیق و فلسفی نه ساده و سطحی:

با سر به رهِ عشق رَوَد در کیشش
باغی همه‌سرو می‌دمد از پیشش
این مرد که سرنگون چنین می تازد
خودکار من است، درد دارد نیشش

یا: از گوشه کنار می‌برد ما را عشق
در دامن خار می‌برد ما را عشق
با این همه دسته گل که داده است به آب
آخر سرِ دار می‌برد ما را عشق

بگذریم. پیرامون چهارگانه های این شاعر جوان و نیک اندیش بسیار می‌توان گشت و نوشت که اینها نمونه‌ای است از خروار شعر علی عشایری که بی‌تردید آینده‌ای بسیار درخشان پیش رو خواهد داشت.

سال آزارو در بوشهر

گزارشی درباره‌ی آنفلونزای اسپانیایی در اواخر جنگ جهانی اول

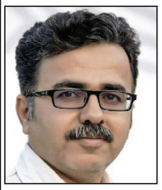
نوشته سید قاسم یاحسینی، چاپ اول | پاییز ۱۴۰۰، ۲۸۴ صفحه، انتشارات پاتیزه، ۹۸ هزار تومان



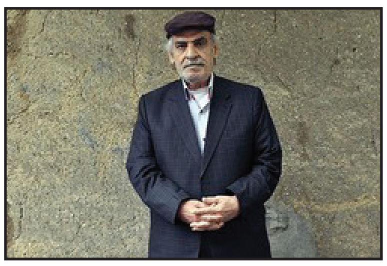
یکی از موضوعات مهم در آن مطالعه، موضوع بیماری و همه گیر (پاندمی) موسوم به «آنفلوانزای اسپانیایی» بود، که در اواخر جنگ جهانی اول در دنیا، ایران و بوشهرِ شیوع پیدا کرد و میلیون‌ها انسان را قربانی خود نمود. شکل اولیه و نسبتاً خام این بخش از مطالعه و تحقیق، در حدود زمستان ۱۳۹۴ به‌پایان رسید، اما به همین دلیل «خام» و ناتمام بودن، تمایلی به انتشارش پیدا نکردم. آن مطالب در حافظه لپ‌تاپ من ماند تا در پائیز و زمستان ۱۳۹۸ آنفلوانزا در برخی از شهرهای ایرانِ شیوع پیدا کرد و صدها و شاید هم هزاران نفر را به کام مرگ فرو بود. به دنبال آن نیز بیماری مرموز و مُهلک کُرونا در رسید و زندگی‌های زیادی را درنوردید و پایمال کرد و هنوز نیز تباه می کند! با فراگیر شدن پاندومی «کووید ۱۹» یا همان «کُرونا» در اویل سال ۲۰۲۰ میلادی/ ۱۳۹۸ش. در جهان، توجه برخی از مورخان و محققان تاریخ اجتماعی و تاریخ سلامت به بیماری‌های جهانگیر و منطقه‌ای در گذشته‌های دور و نزدیک جلب شد. در همین راستا، صدها مقاله، کتاب و رساله نوشته و منتشر شد و هنوز نیز می‌شود. از جمله مطالبی که مورد توجه مجدد قرار گرفت، پاندومی و بیماری عالم گیر آنفلوانزای اسپانیایی بود که در اواخر جنگ جهانی اول جهان (۱۹۱۸./۱۳۳۷هـ‌ق.) را درنوردید و بنا به برخی آمارهای متفاوت، بین حدود بیست، چهل، پنجاه و حتی صد میلیون نفر، را به کام مرگ کشاند. علاقمندان می توانند کتاب را از کتاب و نشر پاتیزه تهیه کنند.

ایرج صغیری آیینه تمام نمای فرهنگ آیینی جنوب

جهانشیر یاراحمدی



ایرج صغیری در دنیای هنر، نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی تئاتر و سینما، داستان‌نویسی، پژوهش در حوزه موسیقی و آیین را تجربه کرده است. بررسی همه آثار خلق‌شده وی چه در حوزه نوشتار و چه در حوزه اجرا، یک خط سیر مشخص و پررنگی را به ما نشان می‌دهد و آن نیست، مگر فرهنگ آداب و آیین‌های قومی و بومی زادگاهش بوشهر. باایمان و اعتقاد راسخ دست به این کار زده و می‌زند و به این طریق غنای فرهنگی دیارش را معرفی می کند. روشن است، داشتن چنین فکر و اندیشه در تمام ادوار عمر هنری یک هنرمند، نیازمند ویژگی‌هایی است که همگان ندارند و این نکته در استاد صغیری پررنگ است و آن زیستن در کنار مردمی که از جنس همین آداب و آیین‌هایی هستند که در آثارش از آن‌ها سخن می گوید. ردپای همه شخصیت‌های خلق‌شده توسط وی در نمایشنامه‌ها و داستان‌هایش را می‌توان در محیط پیرامونش دید؛ اما این گونه دقیق دیدن و این‌چنین پرداخت هنری کردن، یک نگاه خلاقانه‌ای می‌خواهد که



مختص خود اوست. نکته دیگری که در آثار استاد مشاهده می‌شود و خودش به آن بسیار معتقد است، سادگیست. او به‌خوبی می‌داند که سادگی، فضیلت یگانه‌ای است که می‌تواند مخاطب را تا عمق اثر ببرد. زیبایی آثارش بی‌تکلف بودن آنهاست. در دنیای تئاتر، بازیگر و بدنش را مهم‌ترین ابزار می‌داند و تلاش می کند به بهترین شکل ممکن از تمامیت صدا و بدن بازیگر بهره ببرد. در قلم توانایش کلام مردم بوشهر و اصطلاحات ویژه این منطقه موج می‌زند تا از این طریق این واژه‌ها را زنده نگه دارد. شناخت و احاطه کم‌نظیرش بر فرهنگ آیینی بوشهر او را یگانه کرده است. در حوزه موسیقی، شناخت غریبی دارد و بسیاری از آهنگسازان برجسته بوشهری بر اساس تجربه و دانش موسیقایی وی، آثار خود را خلق کرده‌اند. با این‌حال اگرچه خلق آثار ماندگارش در تاریخ تئاتر ایران، ستایش بزرگان تئاتر جهان را در پی داشته است؛ اما باید گفت، وی در تئاتر ایران کاری کرده است بی‌نظیر: توجه به «تئاتر شهرستان‌ها»؛ پس از اجرای آثار او در دهه پنجاه، نگاه‌ها به سمت تئاتر شهرستان معطوف شد و ادامه پیدا کرد و هنرمندان دیگری از سراسر کشور خود را به تئاتر پایتخت رساندند.

صغیری آیینه تمام نمای فرهنگ آیینه جنوب ایران است. او زندگی‌اش را فدای هنرش کرده و هنوز هم تاوان عشقی را می‌دهد که در تاروپودش به تئاتر و فرهنگ آیینی قومی دارد. همو که با اعجاز هنرش، روی صحنه تئاتر، دکتر علی شریعتی را به وجد آورد تا برایش بنویسد: «به ایرج صغیری که هیچ کلمه‌ای برایش نمی‌یابم. کسی که با اعجاز هنرش، تمام عشق و ایمان و عقیده زندگی‌ام را در این کویر نشانم داد و همچون فریادی در این گورستان زنده، یادش در خاطره‌ها خواهد ماند. ما همه در مکتبش شاگردی کرده‌ایم. به احترامش برمی‌خیزم و کلاه از سر برمی‌دارم؛ سرت سلامت استاد.

ضرورت وجود ادبیات



دکتر زهره عالی نسب

اغلب مردم به ادبیات علاقه ای نشان نمی دهند و مطالعه متون ادبی، شعر و داستان را نوعی سرگرمی وفعالیتی غیر ضروری می دانند. از نظر این افراد، مطالعه در خور افرادی است که وقت اضافی دارند.

ادبیات اما یکی ازاساسی ترین وضروری ترین فعالیتهای ذهنی بشر است. ادبیات، فعالیتی پویا برای شکل گیری شهروندان واقعی در جامعه دموکراتیک و مدرن محسوب می شود.

به گفته جورجو آگامبن چگونه می شود با شر کنار آمد و چگونه می شود وارد تاریکی شد و در آن نور را پیدا کرد وهمچنین چگونه می توان در اوج روشنایی دنبال تاریکی گشت تا مبادا انسان دچار غرور شود و این مهم جز با ادبیات میسر نمی شود.

ریچارد رورتی، تیوریسین تعلیم وتربیت نیز مقاله ای مهم در اهمیت قصه خوانی ومطالعه داستان ها دارد و آن را ظهور فرهنگ ادبی می داند. وی معتقد است قبل از ظهور فرهنگ ادبی. نخست دین (قرون وسطی) وسپس علم وتکنولوژی مدعی رستگار کردن بشر بودند ولی در زمانه ما ادبیات و فقط فرهنگ ادبی عامل رستگاری بشراست. فرهنگ ادبی وادبیات به ما می فهماند که ما آدمیان هیچ تکیه گاهی جز همدیگر نداریم و رستگاری ما وتقویت انسان بودگی ما در گرو باهم بودن است. به عقیده رورتی این ادبیات است که به ما می آموزد که به هم تکیه کنیم، عشق بورزیم و در پی حل مشکلات هم تلاش کنیم. وی می گوید گاهی حتی یک سلام به وجود آورنده مهر و ازبین برنده خشونت می شود و این اعجاز زبان وکلمه است.زیرا در رمان ومتون ادبی انسان رابطه شناختی با مجموعه ای از آدم هایی که آن ها را نمی شناسد پیدا می کند، این آدم ها می تواند معلم و پزشک و پدر و مادر باشد تا دزد وقاتل و این توان ادبیات را می رساند که می تواند تمام جهان با مولفه هایش را وارد ذهن انسان کند. مثلا در رمان جنگ وصلح تولستوی ۶۰۰ شخصیت متفاوت در داستان حضور دارند و انسان با مطالعه آن با همه آن ها و مکنونات ذهنی وانگیزه ها و نجواها و اهداف وتخیل آن ها رابطه برقرار می کند گویی خود تمام فراز و نشیب زندگی آن ها را تجربه می کند.

ادبیات ما را به سفرهای اودیسه وار می برد. وقتی رُمان می خوانیم، زمان و مکان را درمی نوریم. به دیهیمی گفتند شما که متخصص ادبیات فرانسه هستی چرا یک سفر به فرانسه نمی روی؟، گفته بود آن هایی که به فرانسه می روند می خواهند برج ایفل وبقیه بناها را ببینند من با یک ترجمه متن فرانسوی می توانم از روحیه مردم فرانسه که

> **جامعه ای که مخاطب متون ادبی ندارد دچار زبان پریشی است و به سبب زبان ناپخته و ابتداییش مشکلات عظیم در برقراری ارتباط خواهد داشت و این جاست که ضرورت مطالعه ادبیات، شعر و رمانها در کودکان و بزرگسالان را نشان می دهد و ادبیات و مطالعه متون ادبی را از ضروریات فعالیتهای ابنای بشر نشان میدهد.**

چگونه باهم صحبت می کنند، چگونه عشق می ورزند چگونه برهم خشمگین می شوند را بدانم و این برای من مهم است. ادبیات ما را برای انسان تر شدن یاری می کند و با تقویت ادبیات علاوه بر تکثر فرهنگ ها تعدد فرهنگ ها نیز تقویت می شود و در یک جامعه همه ادیان و زبانها وگویش ها می توانند زندگی پر مهرتر و آرامتری با هم داشته باشند. به گفته یوسا، عاشق ترین انسانها روی زمین داستان نویسان و داستان خوانان هستند.

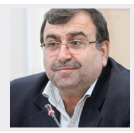
در این زمانه علم وتکنولوژی به تنهایی نمی تواند وحدت بخش باشد واین دقیقا به سبب گستردگی بی نهایت دانش وسرعت تحول آن است. اما ادبیات از آغاز تا کنون وتا زمانی که باشد فصل مشترک تجربیات آدمی بوده وخواهد بود و به واسطه آن انسانها می توانند یکدیگر را بازشناسند و با یکدیگر گفتگو کنند و در این میان تفاوت مشاغل و شیوه زندگی، موقعیت جغرافیایی و فرهنگی و احوالات شخصی تاثیری ندارد.

ادبیات به تک تک افراد با همه ویژگی های فردی شان امکان داده از تاریخ فراتر بروند. ما با خواندن رمانها و داستان ها یکدیگر را در پهنه گسترده مکان و زمان درک می کنیم وخود را اعضای یکدیگر می یابیم. این همان وجه اشتراک ماست. هیچ چیز بهتر از ادبیات به ما نمی اموزد که تفاوتهای قومی و فرهنگی را نشانه ی غنای میراث آدمی بشماریم و این تجلی قدرت آفرینش چند وجهی آدمی است بزرگ بداریم. مطالعه ادبیات خوب هم لذت بخش است و هم به ما می آموزد که چیستیم و چگونه ایم.

با وحدت انسانی مان، با نقص هایمان، با اعمال و رویاهایمان و روابطی که ما را پیوند می دهد و تصویر اجتماعیمان ودر خلوت وجدانمان انسان بودگی مان را بیش از پیش به تصویر می کشد.

ادبیات ما را به شناخت کلیت انسانیمان رهنمون می کند به عقیده یوسا این نگرش وحدت بخش و کلام کلیت بخش نه درفلسفه به تنهایی وجود دارد و نه در تاریخ وهنر و روانشناسی. علاوه بر این که یکی ازاثرات سودمند ادبیات در سطح زبان تحقق می یابد ادبیات سبب تقویت قدرت تمرکز، تجسم و تخیل که از مهمترین فاکتورهای خلاقیت و آفرینش و تفکر انتقادی و تفکر منطقی است. جامعه ای که ادبیات مکتوب ندارد یا این که ادبیات مکتوب دارد ولی مخاطب ندارد وخواننده ادبیات مکتوب ندارد در قیاس با جامعه ای که مهمترین ابزار ارتباطی آن یعنی کلمات، در متون ادبی پرورده شده وتکامل یافته وطرفدار زیاد دارد، حرفهایش را با دقت کمتر، غنای کمتر و وضوح کمتر بیان می کند. جامعه ای که مخاطب متون ادبی ندارد دچار زبان پریشی است و به سبب زبان ناپخته و ابتداییش مشکلات عظیم در برقراری ارتباط خواهد داشت.و اینجاست که ضرورت مطالعه ادبیات وشعر و رمانها در کودکان وبزرگسالان را نشان می دهد و ادبیات و مطالعه متون ادبی را ازضروریات فعالیتهای ابنای بشر نشان می دهد.

تنها امیدواری باقی مانده



دکتر عبدالرسول عمادی

در طی چهار سال اخیر منتهی به پایان دولت آقای حسن روحانی، منتقدان دولت قبلی ایران اشکالی که پر تکرار بر کار دولت می گرفتند این بود که توان داخلی را معطل گذاشته و برای حل مشکلات اقتصادی چشم امید به مذاکرات با طرف های برجامی دوخته است.

دولت حسن روحانی دولت تدبیر و امید نام داشت و این منتقدان می گفتند این دولت امور کشور را تدبیر نمی کند و امیدش نه به استعدادهای داخلی بلکه به گشایش های خارجی است.

معنای این سخن آنان این بود که اگر این منتقدان حق به جانب دولت را در دست بگیرند اقتصاد کشور و معیشت مردم را سامان می دهند بدون آن که نیازی به مذاکرات در عرصه بین المللی داشته باشند و اصولا مساله اقتصاد ایران که از نظر آنها یک مساله داخلی است باید در داخل حل و فصل شود، یعنی آنان که بیایند در مدت زمان کوتاهی مساله فرو ریختن ارزش سهام در بازار بورس حل می شود و یکی از معاونان رئیس فعلی دولت گفته بود مساله بورس را سه روزه حل خواهند کرد و دیگری که الان وزیر رفاه است آن موقع توییت کرده بود که با تزریق سیصد میلیون دلار به بازار قیمت ارز را به زیر پانزده هزار تومان می رساند و با یک میلیون تومان سرمایه برای جوانان بیکار شغل ایجاد می کند.

خوشبختانه یا بدبختانه آنان که مدعی حل مساله تورم و رساندن آن در مدت کوتاهی به نیم و سپس تک رقمی کردن آن بودند یا ادعاهای فوق را در مورد بورس و نرخ ارز و اشتغال جوانان کرده بودند الان رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور و وزیر رفاه هستند دیگر مدعیان مانند زاکانی که مدعی مبارزه با خویشاوند سالاری بود یا محسن رضایی که خود را اقتصاددان مبتکری می داند که می تواند در کوتاه مدت مشکل اقتصاد را حل کند، در بالاترین مناصب تصمیم گیری کشور قرار گرفته اند.

از استقرار دولت جدید چند ماه گذشته است و از ضرب العجل سه روزه معاون رئیس جمهور برای حل مشکل بورس یا برنامه های وزرای اقتصاد و رفاه برای حل سریع فوری و انقلابی مشکلات خبری نیست.

چند روز پیش مذاکرات مجلس را گوش می کردم. نماینده ای می گفت وزرای این دولت آمدند و با وعده ها آرای دویست و دویست و پنجاه تایی از ما گرفتند و الان دیگر تلفن ما را هم جواب نمی دهند و اگر فرضا بعد از این یکی دو ماه دوباره به مجلس برای رای اعتماد بیایند پنجاه رای هم نخواهند گرفت.

ظاهرا نمایندگان مردم از این که آبی از این وزرا گرم شود نومید هستند اما ما مردم همچنان امیدواریم و راهی هم جز همین امیدواری پیش رو نداریم.

ما امیدوار نیستیم که عبدالملکی وزیر رفاه بتواند با یک میلیون تومان شغل ایجاد کند یا با تزریق سیصد میلیون دلار پول ملی را از مرگ نجات دهد یا احسان خاندوزی بسته اقتصادی رو کند که مشکل اقتصاد را حل کند یا قاضی زاده هاشمی که پزشک است مشکل بورس را سه روزه حل کند یا محسن رضایی پول ملی را ارتقا دهد یا تورم را مهار کند.

نه، از اول هم همه به این گفته ها به چشم اعجاب و شگفتی و تاسف می نگریستند. تنها یک روزنه امیدواری هست و آن هم این که این دوستان این حرف ها را برای رای آوردن زده باشند و خودشان هم به این سخنان باوری نداشته باشند.

اگر عبدالملکی می گفته با یک میلیون تومان اشتغال ایجاد می کند برای جلب توجه بوده و انصافا خوب هم جواب گرفته و توانسته وزیر بشود برای خودش و خدا را صد هزار مرتبه شکر که بالاخره یک جوان اهل این مملکت به شغل دلخواهش رسیده است.

تنها امیدواری باقی مانده این است که این ها خواسته باشند کاری را که دولت قبل برای حل و فصل منازعات ایران با کشورهای دنیا می کرد خودشان انجام بدهند و سودش را در تثبیت طولانی مدت خودشان در دستگاه اجرایی ببرند.

نتیجه ورود دولت جدید به مذاکرات برجامی در آذر ماه نشان خواهد داد که این امیدواری چه اندازه پایه و اساس دارد.

ما که امیدواریم این ها همان راه دولت قبل را برای حل منازعات بروند و ما ملت هم بتوانیم حداقل معیشت بخور و نمیر خود را که به نقطه بحرانی نزدیک می شود ادامه بدهیم و انشالله این آقایان و دامادهایشان هم سال های سال به خوبی و خوشی در مصدر امور دولت باشند.

عقل راهبر یا عقل راکب



عبدالخالق ماجدی

جستارم را با جمله دیوید هیوم شروع می کنم: وقتی از نبرد "احساس" و "عقل" حرف می زنیم به شیوه ای فلسفی و دقیق سخن نمی گوییم! "عقل" فقط بنده "احساس" است و باید هم چنین باشد.

یا در جایی دیگر از کتاب "رساله ای درباره طبیعت بشری" می گوید:

"عقل" به تنهایی هرگز نمی تواند انگیزه اعمال اراده باشد و هیچ گاه نمی تواند در جهت بخشیدن به اراده با "احساس" مقابله کند!

دیوید هیوم به عنوان فیلسوفی که تمام فلسفه اش مرهون فلسفه باروخ اسپینوزا هست خیلی خوب می داند که "عقل" بنده "احساس" نیست بلکه "عقل" خود به عبارتی "انتخاب" یک نوع "احساس" است.

معنی عقل، بند بر پای بستن است و در عربی عِقال به معنای ریسمانی است که بدان زانوی شتر را می‌بندند. این عقال برای بستن زانوی شتر نیازمند "تشخیص" است یا دقیق تر این که برسر یک چند راهی که قرار می گیرد نیازمند "انتخاب" است و برای این تشخیص/ انتخاب نیازمند "تجربه" هست و این تجربه، عصاره تصاویر ذهنی تجربه گر در موقعیت های پیشینی هست که در بایگانی ذهن او انباشته شده است و این تصاویر تلنبار شده، هستی خود را از احساسات تجربه شده و در واقع بر اساس حالات قبلی بدن گرفته اند. اگر برای شخص، آن تجربه قبلی مفید و یا به عبارتی باعث تقویت فعالیت بدن شده باشد مبنایی برای انتخاب قرار می گیرد و یا اگر بالعکس باشد مبنایی برای پرهیز! این ریسمان به عنوان یک قوه یا یک ابزار، حیات و هستی اش را از تلاش و کوشش برای فهم و شناخت دلایل شکل گیری عواطف و احساسات قبلی و فعلی می گیرد.

به انسانی عاقل می گویند که به دنبال ریشه یابی پیوند و روابط علت و معلول های موضوعات و سوژه های زندگی اش باشد و در بزنگاه های تردید و تعلیق که نمی تواند واقعیت و حقیقت علیت سوژه های زندگی اش را بفهمد نباید به علت مجاورت و مشابهت تجارب زندگی، دچار خطای تشخیص و انتخاب شود چون که بعضا دیده می شود به علت نزدیکی و مجاورت و یا تشابه موقعیت فعلی ما با یک تجربه، انسان دچار اشتباه می شود. مطلب را عمیق تر می کنم؛ معتقدم تجارب زندگی می توانند چراغ و راهنما باشند ولی برای انتخاب و تشخیص کافی نیستند. چرا؟! چون که از نقش عواملی مثل خلق و خوی و مزاج آدمی و شرایط متفاوت زندگی در زمان های متفاوت، نباید در فرآیند انتخاب و تشخیص غفلت کرد. موضوع یا سوژه ای که دیروز باعث شادی بود امروز باعث عصبانیت می شود. متواتر دیده ام که بروی نقش غریزه و فطرت در تصمیم گیری ها و انتخابها به عنوان یک نقطه مبنا و مبدا هم اصرار می شود ولی وقتی فارغ از تعصب و باورهای رایج، موضوع غریزه را واکاوی کنیم آنها را چیزی غیر از تجارب غیرمستقیم نمی توانیم لحاظ کنیم که بر اثر وراثت در فرآیند مستمر تکامل از اسلاف به ما رسیده و از ما هم به اخلاف می رسد. اگر با تلاش و کوشش، نوری بر ناآگاهی ها و تصاویر غیرشفاف زندگی خود بیندازیم می توانیم امیدوار باشیم که چرخه نادانی را به عنوان یک رذیلت قطع و یا کندتر کرده ایم و بر دور چرخه دانایی به عنوان یک فضیلت افزوده ایم و برای اخلاف خود، زاینده زندگی عاقلانه تری شده ایم و بی شک این مسیر سخت و دشوار با "مهربانی" قابل دسترس خواهد بود چون که بدون "دیگری" نه میل وجود داشت و بالتبع نه عاطفه و احساسی. علت و عامل وضع تمام قوانین مذهبی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی هم همین "دیگری" و مهربانی با دیگری بوده است.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



زندگی نامه دکتر سیدجعفر حمیدی در مصاحبه با نسیم جنوب (۷):

از خدمت در تهران در درس خواندن در مشهد



بنشین و کتاب مهربانی بنویس
تاریخ شروع شادمانی بنویس
گر رفت زدست گنج شایان نشاط
آداب عبور زندگانی بنویس

بوشهر گنج مهربانی است و دریای شادمانی. حال اگر کسی یا کسانی نتوانند این گنج را محفوظ بدارند و با رفتار و کردار خود دل این شادمانی را بکشنند، تقصیر از بوشهر نیست. این تربیت آشکار و ادب دانی نهان است که مزیّت یا دنیّت هر کس را آشکار می سازد.

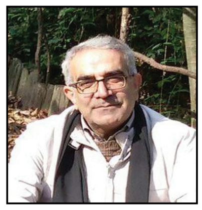
چنان که در متون قبل عرض کردم در سال ۱۳۵۳ تقاضای انتقال به تهران کردم که به سختی پذیرفته شد. منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران، محل خدمتم را در جنوب تهران یعنی محله های جوادیه، راه آهن و نازی آباد معین کرد. در آن جا برای مشاوره و راهنمایی به سه مدرسه راهنمایی می رفتم در این محلات جنوب تهران، اطلاعات بسیار فراگرفتم.

سال بعد بعه منطقه ۲ تهران یعنی نواحی میدان کندی سابق (توحید امروز) گیشا، میدان ۲۴ اسفند (انقلاب امروز) و ... منتقل شدم. در این منطقه نیز مشاوره سه مدرسه به عهده من افتاد که در هفته هر کدام یک روز برای مشاوره دانش آموزان می رفتم، همان گونه که در بوشهر دوستان و عزیزان خوبی داشتم و دارم، در این مدارس تهران هم دوستان بسیار خوب و صمیمی داشته و دارم.

سال ۱۳۵۶ برای شرکت در آزمون دکتری به مشهد رفتم با اتوبوس. نیمه های شبی که بسیار تاریک و اتوبوس ما از فاصله دور از طبس می گذشت و از مشهد هنوز دور بودیم رادیوی اتوبوس خبر داد که در طبس زلزله روی داده است. سرانجام ساعت شش صبح به مشهد رسیدیم و من ساعت ۸ پس از زیارت، به دانشکده ادبیات رفتم. در دفتر، زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی، آقای دکتر جلال متینی هم اکنون که در امریکا است حضور دارشتند بسیار مهربانانه با این مسافر از راه رسیده برخورد کردند که خستگی راه را فراموش کردم. ثبت نام شد و ساعت ۹ جلسه آزمون شروع شد و تقریبا پنج ساعت طول کشید. ما چهار نفر بودیم که در آزمون دکتری شرکت کردیم اما سوالات آن قدر سنگین و سخت بود که یک نفر وسط امتحان بلند شد و جلسه را ترک کرد. اوراق که تصحیح شد زنده یاد دکتر یوسفی که مدیر گروه و مسئول امتحان بود، ما سه نفر دیگر را صدا زد و به هر سه ما جهت قبولی تبریک گفت. دکتر غلامحسین یوسفی، شاعر، نویسنده، مورخ و استاد ممتاز و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی مشهد بود و بسیار ادیب توانا و دانشمندی بود. با این حساب، دوسال هر هفته یا دو هفته یک بار به مشهد می رفتم تا دوره درس تمام شد و در خرداد ۱۳۶۳ با راهنمای زنده یاد دکتر مجتهدی از پایان نامه دکتری دفاع کردم.

مهاجرت و مهاجرت نخبگان

دکتر سعید معدنی



مهاجرت امری دائمی در زندگی بشر بوده و تاریخ آن به تاریخ زیست انسان در این کره‌ی خاکی برمی‌گردد. اما در عین حال یکی از تلخ‌ترین اتفاقات زندگی انسان می‌تواند مهاجرت ناخواسته باشد، به خصوص مهاجری که دوران رشد و بلوغ خود را در موطن اصلی خویش گذرانده و تلخ‌تر از آن، رفتنی است که امید به برگشت کم‌رنگ باشد.

بی شک اکثر انسان‌ها دوست دارند در سرزمین خود اقامت دائمی داشته باشند و اگر رفتنی هست موقت بوده و پس از چندی به میهن خود بر گردند. این بازگشت اغلب با انگیزه‌های زیستن با فامیل و دوستان و خدمت به مردم سرزمین خویش است.

اما گاهی محدودیت‌ها و موانعی وجود دارند که که افراد مجبورند از کشورشان خارج شوند. آنان به سرزمین هایی می‌روند که نمی دانند چه اتفاقاتی در انتظار آنان است و زمان می‌برد تا به ماندن دائمی در سرزمین مقصد عادت کنند. عادتی که بعضا با رنج و تلخی همراه بوده و به تدریج از تلخی آن کاسته می شود.

به طور کلی همه مهاجرت‌ها به دو دلیل صورت می‌گیرد یکی "دافعه مبدأ" و دیگری "جاذبه مقصد" است. دافعه مبدأ می تواند شامل جنگ، ناامنی، بیکاری، خشکسالی، کم آبی، عدم امکان ادامه تحصیل، محدودیت های اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی باشد. در مقابل جاذبه مقصد، می تواند شامل نکات مقابل و مثبت دافعه قرار گیرد. مثل وجود امنیت، امکان اشتغال و یا دستیابی به شغل بهتر، امکان ادامه تحصیل در سطوح بالاتر، امکانات رفاهی و تفریحی و آزادی های بیشتر.

مهاجرت نخبگان و یا " فرار مغزها" از کشورهای جهان سوم به سوی کشورهای پیشرفته پدیده‌ای نو در یک صد سال اخیر است که روی توسعه یافتگی و عدم توسعه یافتگی کشورها تاثیر جدی و مهم دارد. به همین دلیل مطالعات و بحث‌های زیادی پس از جنگ جهانی دوم درباره آن صورت گرفته است.

این جاذبه مقصد و دافعه مبداء که ذکر آن رفت طبعا می‌تواند شامل مهاجرت نخبگان نیز باشد. اما جفاست که هجرت همه نخبگان را در اقتصاد و مسائل اقتصادی خلاصه کنیم. به باور نگارنده محدودیت های فرهنگی و محدودیت آزادی‌های اجتماعی نقش مهمی در وقوع این پدیده دارند.

آزادی های اجتماعی گاهی اولویت اول را - به خصوص برای خانواده و فرزندان یک تحصیل کرده - دارد. فرزندان آنها دوست دارند در دوره جوانی مانند بسیاری ازجوانان جهان در آزادی و رفاه و آسایش زندگی کنند. اما نظام‌های ایدئولوژیک چنین آزادی‌هایی را بر نمی‌تابند لذا نخبگان هجرت کرده علیرغم علاقه به وطن خویش، قید بازگشت را می‌زنند و یا بعضی بر می‌گردند اما خانواده‌هایشان همچنان در خارج زندگی می‌کنند. این جدایی از خانواده نیز دشواری‌ها و مشکلاتی به همراه دارد.

به باور نگارنده در مهاجرت نخبگان از کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته و صنعتی عوامل زیر موثر است.

۱- عوامل اقتصادی و رفاه بیشتر
۲- باور به این که در کشور مقصد فارغ از هر نوع عقیده و قومیت و مذهب " شایسته سالاری" در آن بیشتر و بهتر است.
۳- باور به این که در آن کشورها امنیت و ثبات شغلی وجود دارد.
۴- عدم محدودیت های فرهنگی برای خود فرد و همسر و فرزندانش.
۵- وجود آزادی های اجتماعی.

مهاجرت نخبگان و در ادامه عدم بازگشت ایشان، لطمات زیادی به سرزمین مبدأ و مادری وارد می کند. بهترین راه برای جبران اندکی از این خسارت، امکان بازگشت ایشان به کشور ولو به شکل موقت و فصلی باشد. تا سرزمین مادری از دانش، هوش، خلاقیت و خدمات ایشان بهره‌مند شود. در نهایت این که بهترین راه برای جلوگیری از مهاجرت نخبگان ارائه امکانات رفاهی و ایجاد شرایط زیست فرهنگی و اجتماعی بهتر برای فرد نخبه و خانواده ایشان است.

عکس نوشت

از روزهایی که همه برادر بودیم



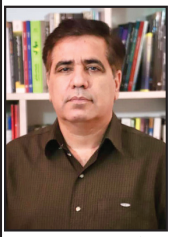
غلامحسین دریانورد: از اسفندماه ۵۹ تا امروز که دارم برای این تصویر یادداشت می‌نویسم ۴۰ سال گذشته است. ولی همچنان این عکس جوان و سرزنده است و قبراق و سرحال به ما چشم دوخته و خود را به رخ ما می کشد.

این تصویر را حدود ۴۰ سال در آلبوم شخصی‌ام دارم. احتمالاً آن را دوست عزیزم غلامحسین خسروی که به اتفاق آقای سعیدی مسئول وقت بسیج گناوه که برای سرکشی از اولین گروه اعزامی به جبهه، بوشهر رفته بودند، انداخته است. آنها در حالی که هر یک اسلحه‌ای "ام یک" و یا "برنویی" در دست دارند رو به دوربین قاب ماندگاری را خلق کرده‌اند، تصویری که روز به روز به قدر و منزلتش افزوده می‌شود. به خصوص اگر بدانیم در این تصویر عزیزانی مثل بهروز بهروزی، جواد فروتن، محمد جعفر سعیدی، الله داد بهمنیاری، یوسف دشتی، مجید خزایی، مظفر سهولی، ماندنی محمدی، احمد نجارزاده که اکنون در گلستان شهدای بندر گناوه آرمیده‌اند؛ حضور دارند. جوانانی که در طول دفاع مقدس هر یک در عملیاتی در جبهه به دیار باقی شتافتند و عده ای دیگر نظیر حسن ملک زاده، حمید رضا جلال‌پور، احمدی و ... تا مرز شهادت پیش رفتند و یکی دست، دیگری چشم و سومی پای خود را از دست داده و به درجه جانبازی نائل شدند و هم چنین دیگرانی که در این قاب می‌بینید هر کدام از ایثارگران پیشکسوت‌اند.

بی‌شک این عکس که حدود چهل سال در آلبوم شخصی من جا خوش کرده و روز به روز بر منزلت و ارج و مقام آن افزوده می‌شود؛ تصویری استثنایی و بی‌نظیری است؛ از روزهایی که همه برادر بودیم و پشتوانه سلاح‌های در دست‌مان، ایمان و صداقت بود.

سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

ژست قهرمانانه با هزینه مردم!



به تازگی محمدباقر قالیباف رئیس مجلس اصولگرایان از ضرورت اتخاذ تصمیمات سخت و شجاعانه سخن گفته و فرموده‌اند که «مردم تصمیم انقلابی ما را می‌پذیرند و هر هزینه‌ای خواهند داد!»

حقیقت این است که در این شرایط وخیم اقتصادی که سیل بحران‌های اقتصادی از بند و کنترل دولت رها شده و برنامه‌های اقتصادی دولت نتوانسته در این چند ماه موفقیتی را در پی داشته باشد، برداشت از تصمیمات شجاعانه و انقلابی و سخت، یعنی انتظار فشار بیشتر بر مردم و برداشتن پول زیادتر از جیب خالی آنها در راستای ادامه سیاست‌های ریاضتی و خانه‌خراب کن اقتصادی و در نتیجه باز هم فقیرتر شدن مردم. اما نکته این‌جاست که نمی‌شود همه سلایق و دیدگاه‌های منتقد و مخالف را ردصلاحیت کرد و در یک انتخابات حداقلی به مجلس رفت و بعد هم ادعا کرد که به نمایندگی از مردم می‌خواهید تصمیمات انقلابی بگیرید و باز از جانب مردم از تصمیمات خودتان حمایت و تعریف و تمجید کنید!

ضمن این‌که متاسفانه در پی ایجاد فضای دو قطبی جامعه، به نظر می‌رسد طوری شده که اقلیتی برخوردار، تصمیمات سخت و سرنوشت‌سازی برای اکثریت جامعه می گیرند در حالی که خودشان از عواقب این تصمیمات سخت، جدا هستند و دردسر این تصمیمات فقط برای مردم است. نمونه آن انواع مزایا و امکانات و رانت‌ها و فیش‌های نجومی که این روزها جسته و گریخته منتشر می‌شود و نشان می‌دهد مسئولینی که مردم را به مقاومت و ایستادگی در این شرایط وخیم دعوت می کنند، خودشان دارای چه امکانات، نعمات، رفاه، حقوق و مزایایی از بیت‌المال هستند، تا آن‌جا که مردم عادی در خواب هم نمی‌بینند به این درآمدها و مزایا دست یابند.

در این شرایط مردم حق دارند که بپرسند چرا تصمیم گیران و مسببان این شرایط سخت، خودشان در نعمت غرق‌اند و مردم را به مقاومت و هزینه دادن فرا می‌خوانند؟! سوال مهم دیگر این است که نتایج همراهی مردم با این همه تصمیمات و سیاست‌های سخت گذشته تاکنون چه نفعی برای مردم، داشته است؟

این که نمی‌شود جاده یک‌طرفه بین تصمیم‌گیران و سیاستگذاران با مردم باشد که فقط انتظار داشته باشند مردم تصمیمات سخت آنها را بپذیرند و صرفاً هزینه بدهند و اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم نیز هر روز از روز قبل خراب‌تر و بحرانی‌تر شود!

انتظار تحمل کوه سنگین دشواری‌ها و سختی هزینه دادن بر دوش مردم تا کی و چه مرحله‌ای است؟ افق پیش‌روی مردم از دادن این همه هزینه چیست؟ این که تحریم‌ها هر روز پرزورتر شوند و تصمیم گیران هم به جای رفع تحریم‌ها، کمبودهای ناشی از تحریم‌ها و سوء مدیریت‌ها را با فشار به مردم و از جیب مردم تامین کنند، با کدام شیوه مدیریتی هم‌خوانی دارد؟ تا کی مردم باید هزینه تصمیماتی که در آن نقشی نداشته و حتی آنها را قبول هم ندارند، بپردازند؟ تا کی یک عده مسئولان بالانشین، با شعارهای غیرواقعی، نقش قهرمان را ایفا کنند و در این جنگ ناجوانمردانه تحریم و تورم و گرانی و بیکاری و... نقش سرباز قربانی و زخم‌خورده را برای مردم در نظر بگیرند؟!

آیا بهتر نیست که خود قالیباف و تصمیم‌گیران و سیاستگذاران و مسببان این وضعیت وخیم، قبل از این که از مردم انتظار پذیرفتن شرایط سخت و دادن هزینه‌های زیاد و پی در پی را داشته باشند، یک بار هم نظر آن‌ها را درباره این تصمیمات سرنوشت‌ساز که با زندگی آنها مربوط است، جویا شوند؟